

را ندارند

بنده گمان می کنم خوب باشد مذاکرات ایشان بدون جواب بماند زیرا بنده تصور می کردم بعد از این مدت بجران طولانی که کابینه برای معرفی بمجلس می آید در یک چنین موقع خطرناک وقتی اظهار می شود پرگرام همان پرگرامی است که دو مرتبه بمجلس آمده و تمام مواد آن رای داده شده و هر کس موافق یا مخالف بوده در آن موقع مطلب را طرح کرده و جواب شنیده در همچو موقع نباید مذاکراتی که صرف اعتراض باشد بشود خصوصاً آنکه آن اعتراضات نسبت به قسمت هائی باشد که عجالتاً قبل از این ها می توان یک چیز های دیگری را مقدم داشت و تصور می کنم مناسب نباشد و بنده گمان می کردم و انتظار داشتم در این موقعی که رئیس دولت با کثرت مجلس انتخاب شد و شاید کابینه خود را معرفی کند همه ما با اتفاق چه مخالف چه موافق خطاب با او بکنیم و از او بخواهیم باین بد بخی های که سر تاسر مملکت را گرفته خاتمه دهد و باو وعده بدهیم که ما با تمام قوای خودمان کمک خواهیم کرد تا اینکه این نتیجه مطلوبه حاصل شود حتی اکثریت نظریات هم باشد که اهمیت داشته باشد ممکن است برای موقع دیگری گذاشت و همه این کمک و مساعدت را برای خیر عموم بکنیم و بدولت اجازه بدهیم یک فکری برای اعاده امنیت بکنند تلگرافاتی که در این مجلس و در مجالس خصوصی خوانده و مذاکره می شد و به صاحبان آنها وعده تشکیل کابینه داده می شد و حق هم همین بود ولی حالا که کابینه تشکیل شده وظیفه ما است و مقدم بر همه چیز این مطلب است که این اقدامات را همه از موافق و مخالف از دولت بخواهیم تا نتیجه حاصل شود و نسبت به قسمت هائی که مذاکره شد و اغلب آنها هم صحیح بود بنده موافقم و اگر قرار شد در جلسه آتی در این موضوع صحبت شود عقاید خود را عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - همان قسمی که حضرت والا فرمودند در این موقع که هیئت دولت برای معرفی بمجلس آمده است آقایان باید آنچه را که ملت آرزو مند است از دولت بخواهند

امروز ملت امنیت می خواهند آسایش می خواهد و سایل ارتزاق می خواهد اینها هم یک چیز هائی بود که در پرگرام نوشته شده بود البته انجمن ایالتی باید تأسیس شود و کسی منکر نیست ولی در صورتی که ملت امنیت داشته باشد فرضاً در صفحه من بخواهند انجمن ولایتی تشکیل بدهند امنیت که نیست کی باید تشکیل بدهند باین ترتیب که هست بطور اعضا انجمن

ایالتی و ولایتی را انتخاب کنند ؟ لهذا با این وضعی که امروز هست بنده از آقایان تقاضا می کنم همانطور که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند منتظر عملیات باشند اگر کابینه خوب کار کرد تحسین و اگر بد کار کرد مخالفت بفرمایند ما هم که رای اعتماد داده ایم منتظر عملیات هستیم و اولین قدمی که دولت باید بردارد قدمهای بزرگ برای امنیت برای آسایش و رفاهیت مردم است که از هر چه مقدم تر است اگر مملکت امنیت نداشته باشد مردم هیچ ندارند تجارت ندارند نان ندارند و فقر تمام مملکت را می گیرد همه معایب از نا امنی بروزی کند

ولی اگر امنیت باشد در تحت لوای امنیت و آسایش تمام وسایل ترقی را ملت می تواند برای خودش فراهم کند پس بزرگترین قدم این است که آقایان از دولت این دو سه مطلب اساسی را بخواهند و امیدوارم آقایان مساعدت کنند و دولت هم موافق شود این چند مطلب کلی را که امنیت و آسایش و وسایل ارتزاق باشد برای مردم تهیه کند که مردم وسیله کسب و رزق بر ایشان فراهم شود بنده این دو کلمه را می خواستم عرض کنم و تصور می کنم آقای تدین هم نظر دیگری نداشته و مقصودشان تذکر بود

تدین بنده خود توضیح خواهم داد

حاج شیخ اسدالله - آقای تدین اگر نظر دیگری دارند مختارند ولی تذکر البته خوب است اما تذکر هم بعد از آن مقدماتی است که بنده عرض کردم

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده هم تقریباً نظرم این بود که این مسئله بمجلس آتی محول شود تا با بهر تری کامل تر بشود در آن بحث کرد اما چون حالا دو نفر ناطق محترم در اصل مطلب داخل شده صحبت کردند این است بنده با آنکه لازم میدانم در اطراف آن صحبت مفصل بشود الان هم بطور مختصر نظریات خود را عرض می کنم و به آقایان مخالفین که رای اعتماد بکابینه نداده اند تذکر می دهم که مقصودشان این نباید باشد که از روز اول بین دولت هنوز داخل در عملیات نشده بخواهند یک مذاکراتی بکنند که آن مذاکرات شاید در خارج باعث ایجاد نظریاتی بشود که بعد لازم بدانند از آن نظریات دفاع کنند اگر چه بنده عقیده دارم که این نظر را آقایان مخالفین ندارند و یقین دارم آقای تدین هم که خودشان توضیح خواهند داد نظرشان در این قضیه این نیست البته ما هم که رای اعتماد داده ایم و هم آقایانی در دادن رای متوقف مانده اند نظریاتمان است که دولت داخل یک سلسله عملیاتی بشود که

اگر آن عملیات موافق با نظریات آقایان بود و خوب بود آن آقایان هم عملیات و اجرائیات کمک بکنند و اگر آن عملیات موافق با سلیقه شان نبود می توانند در هر موقع مخالفت بنمایند ولی امروزه وضع و موقع مملکت ما باندازه خطرناک و هولناک است که ما نمی توانیم مثل موارد عادی راجع به پرگرام و کابینه رفتار کنیم البته توقع فوق العاده مهم است آقای تدین در مواد پرگرام تقریباً طوری اشکال فرمودند مثل اینکه یک قضایا و نواقصی بوده که می بایستی نوشته شود نوشته نشده در صورتی که این پرگرام دو مرتبه در مجلس تصویب شده و بالاخره بنده و سایر آقایان شاید بعد از چهارده سال تجربه تصدیق کرده باشیم و یقین تصدیق کرده ایم که حقیقت در نوشتن نیست در عمل است ممکن است دولت یک نکاتی را که بنده و ایشان در نظر داریم برای اینکه از پیرامون الفاظ و از اطراف نوشتجات تجاوز کنند نویسد ولی در موقع عمل بجا بیاورد و بالاخره نظارت در اجرای آن عملیات و پیش آمدن یک افکار جدید و پیشنهاد کردن آنها وظیفه مجلس هم است و بهمان اندازه که دولت در پرگرام خود آورده است باید از او ممنون باشیم و اگر یک عملیات دیگری هم در نظر داریم پیشنهاد بدولت بکنیم و دولت را با اجرای آن وادار کنیم خاصه

رئیس - دولتی مثل آقای قوام - السلطنه که بشهادت تمام رفقای پارلمانی بنده ایشان تقریباً تمام ساعات کارشان را در مجلس می گذرانند و این یک رئیس الوزراء پارلمانی بودند باین حال می شود مطمئن بود که اگر بعضی مسائلی در اطراف الفاظ یا نوشتجات نیامده است از نقطه نظر سهو نبوده است و از این نقطه نظر بوده است که تا آن حدی که نوشته شده انجام نمایند و این قدمهای کافی است که باید برداشته شود ایشان نیز شرحی در اصلاحات داخلی و تأسیس انجمن های ایالتی و ولایتی فرمودند البته اینها اساسی است و در جزو پیشنهاد عده نمایندگان هم بوده است و در این مجلس هم مذاکره شد و حتی قانون انجمن بلدی هم از طرف آقای مشیرالدوله بمجلس آمده و الان در کمیسیون داخله هست و البته تجدید نظر در قوانین انجمن های ایالتی و ولایتی هم باید به کمک خود آقای تدین و سایر رفقای اکثریت و اقلیت و بیطرف طرح شود و از دولت خواهش کنند تهیه کنند و بکمیسیون داخله بفرستند ولی با همه اینها و تصدیق باین که این قضایا را دولت در نظر دارد و خواهد داشت همانطور که آقایان فرمودند

باید بوضعیات خطیر تر اهمیت بدهم اگر چنانچه یکسال معارف تعویق بیفتد شاید بالاخره موفق شدن بیک نتیجه مشعشع عملی بعد از ده سال یکسال بتاخیر نیفتد و پس از بازده سال نتیجه گرفته شود ولی باید تصدیق بفرمایید که اگر ما بخواهیم در این قضایا دولت را در قدم اول فرار بدهم آنوقت باید مسئله آذربایجان و سایر مسائل دیگر که مربوط می شود بمسائل قشونی و امنیت و دفاع از اشرار آن را کنار بگذاریم در صورتی که امروز باید در قدم اول دولت را تشویق کنیم که اولین عایدات را بپردازد و قشونی دهد و ایجاد ثروت نماید که در حال حاضر وطن ما را نجات بدهند و برادران و خواهران ارومیه و ساوجبلاغی و سایر برادرانی که در تحت مملکت و دسایس واقع شده اند نجات بدهند و در دومین مرحله البته صرف معارف و سایر قضایای حیاتی خواهند شد مقصود این است که ما از دولت عمل می خواهیم و نباید تصور کرد که اگر رای اعتماد نداده ایم ملزم باشیم هنوز دولت که قدم اول را برنداشته او را در تحت فشار و اعتراضات قرار بدهیم بلکه بر عکس باید همه با هم متفق و متحد شویم و یک دولت جوان عملی را که فعلاً بمجلس آمده و معرفی شده کمک نمائیم تا بنجات مملکت و رفع دسایس سیاسی که در اطراف مملکت بدبختانه عرض وجود کرده موفق بشود بعد از آنکه بنجات مملکت و رفع مخاطرات فعلی مملکت موفق شد آنوقت ممکن است از نظریات آقای تدین که عین نظریات بنده و تمام رفقا است موافقت کرد و دولت را بسایر قضایا تشویق کرد

ولی بعقیده بنده اول چیزی که باید بخواهیم ایجاد یک فعالیت و روح قوی در مملکت است که دولت و مجلس که تنها مرکز مسئول مملکت هستند قوی بشوند و خودشان را جلوی خارجه محافظت کنند و بالاخره شعاع و هاله او تمام مملکت بگیرد و رفع این هرج و مرج جراید و اجتماعات را که بهمه چیز جز به تشکیلات اصول آزادی شبیه هستند بنمایند و از آزادی در سایه عظمت و قدرت دولت حسن استفاده بکنیم این عقیده بنده است و گمان می کنم سایر آقایان چه موافق چه متوقف و چه مخالف در این قضایا شبهه نداشته باشند

امروز نه عظمتی برای دولت و نه برای مجلس خواهد بود

اگر ما به عمل و قدرت معتقد باشیم آرزو را حقیقتاً می شود نوشت و در هر پیشنهاد می شود بهتر برجسته تر مرام هارا جاداد

ولی وقتی که صمیمیت متعاقب او نباشد مثل خیلی از مرام های پاکیزه روشن

درخانه ها در جزو کتابهای ماندومقصود می شود.

پس ما از دولت هیچ نمی خواهیم جز صمیمیت و فعالیت و تولید يك عظمت و قدرت مرکزی که از طرفی می تواند بدسیاسی که مارا احاطه کرده است خاتمه بدهد و از طرفی بتواند هرج و مرجی که می رود خدای نکرده باعث اختلال در مملکت ما بشود جلوگیری کند و آزادی حقیقی . آزادی ادبی و اجتماعات نافه را در مملکت ایجاد کند.

البته در عین این احوال ما هم هستیم دولت هم هست این افکار هست و راجع بانجمن های ایالتی و ولایتی و راجع بتوسعه معارف هم البته بدولت پیشنهاد می کنم و امیدوارم باتفاق تمام آقایان این قضایا قدم بقدیم اصلاح هود و این يك سالی که از عمر مجلس یاقی مانده بقدر دو سال سه سال چهار سال کار کنیم که از روزی که ما می رویم و نماینده های دیگر می نشینند يك سابقه روشن برای آنها تهیه کرده باشیم و يك جاده هائی کوبیده شده باشد تا بعد بتوانیم بعد از دو سال خودمان افتخار کنیم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده نمی خواستم بطور تفصیل در مواد پرگرام دولت وارد شوم و عجالتاً هم وارد نمی شوم و اگر مجلس رای داد تفصیل مطرح شود وارد خواهم شد.

ولی از مذاکراتی که آقایان کردند عرایض بنده را طوری جلوه دادند که بنده موافق با بجران و مخالف با امنیت و چه چه هستیم بنده جواباً عرض می کنم بهیچوجه من الوجوه موافق بجران نبوده و نیستم وجود بجران در مملکت ولو بقدر ده دقیقه باشد برای امنیت و آسایش ملت و سایر فضایای اساسی مضر است بنده از خود آقایان تصدیق می طلبم همه میدانند این مدتی که بنده در خدمت آقایان بودم هیچ وقت راجع بجران نه حرف زده ام و نه قدمی برداشته ام و نه در این زمینه ها موافق بوده ام بنابراین اینکه آقای نصرت الدوله می گویند بعد از چندنی طول بجران تازه يك دولتی تشکیل شد و بنده عقایدی را که دارم نباید عرض کنم برای اینکه ممکن است تولید بجران شود تصور می کنم این طور نباشد و اینکه از امنیت مذاکره می فرمایند مگر بنده مخالف امنیت هستم . بنده منتهای آرزویم این است که کمال امنیت جانی و مالی و شرفی و عرض و ناموسی برای کلیه سکنه مملکت ایران حاصل شود و تنها من معتقد نیستم که دولت فقط جلو گیری از چهار نفر دزد و غارتگر بکند بلکه معتقد هستم در عین اینکه دولت تأمین جانی میدهد

تأمین مالی و تأمین حقوقی هم بدهد بعضی از نمایندگان - همه اینطور هستند .

تدین - نباشند اثبات شئی نفی ما عدا نمی کند آقای نصرت الدوله اظهار کردند که در این موقع عرایض من غیر متناسب بود من نسبت باین کلمه اعتراض می کنم بنده نسبت بخودم بمصالح مملکت علاقه مند هستم و مسئولیت تعیین کابینه را قبول نکردم و اکثریت مجلس مسئولیت تعیین هیئت دولت را قبول کرده است و نقطه اتکاء و پشتیبانی هیئت دولت حاضر است اینکه شما می فرمائید عرایض بنده غیر مناسب است معنی آن این است که بنده آزادی عقیده نداشته باشم و حرف خودم را نزنم بنده عرایض خود را با کمال آزادی عرض می کنم شما هم بامنطق جواب دهید نه اینکه بفرمائید غیر مناسب است بنده غیر مناسب را نفهمیدم یعنی چه ؟ بنده عرض کردم پرگرام نقایصی دارد ولی نکفتم فلان مواد را مقدم بداریم که گفته می شود امروز باید قشون کشی کنیم امنیت برقرار کنیم و چه چه بکنیم بنده اعتراض این است که چرا موضوع باین مهمی اصلاً مطرح نظر نشده است و عرض کردم در پروگرام میبایست دستور عملی اصول مهمه که لازم است قید شود در باب تقدم بعضی بر بعضی البته بسته بنظر دولت است نه اینکه بهیچوجه مسائل مهمه در پرگرام محل توجه قرارداد نشود و اینکه آقایان می فرمایند آنچه ملت می خواهد آن را باید تأمین کرد بنده هم همین عقیده را دارم و از فردا بعد حکمیت این قضیه با افکار عمومی خواهد بود اگر مردم علاوه بر امنیت انجمن بلدی و ولایتی را نخواهند حق باشماست علاوه این جزو قانون اساسی است و باید حتماً انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی در مملکت باشد و بنابراین افکار عمومی در این مسئله حکمیت خواهد کرد اما فرمودید امروز نمی شود در معلات کمره کلیایگان انجمن تشکیل داد این مطلب صحیح است بنده عرض کردم در زمان سابق چرا تشکیل ندادند ؟ آنوقت که قتل و غارت و غیر ذلک در آن نقاط نبود بالاخره در خود تهران چرا تشکیل نمی شود در تهران که قتل و غارت نیست پس حالا که دولت تشکیل شده و الحمد لله بجران خاتمه یافته بنده هم در عقاید خود آزادم و رای اکثریت مجلس را قاطع و نافذ می دانم و نظر سوئی به آقایان اکثریت و اقلیت ندارم و اگر عرایضی داشته باشم بدون هیچ کنایه و اشاره عرض می کنم بنا بر این خواهش می کنم نسبت غیر متناسب به عرایض بنده داده نشود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرایض بنده

گفته شد .

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - يك اندازه عرایض بنده در بیاناتی که آقای ملک الشعراء و سایر آقایان فرمودند گفته شد ولی لازم است مختصراً عرض کنم البته خاطر مبارک آقایان مستحضراست در دوره اول کابینه آقای قوام السلطنه در اطراف این قضایا صحبت شد در مسئله معارف و غیره هم بقدر کفایت مذاکره شد و باندازه که باید چه در ابتدای کار و چه در کابینه آقای مشیر الدوله و چه در وقت مذاکره بود چه می اعتباری آقایان صحبت کردند بنده هم اگر دانشمند نیستم دانشمند زاده هستم بنده هم میل به ترقی و تعالی مملکت دارم .

خانه ازبای بندوپران است - خواجه دربند نقش ایوان است . البته تلمکرافات ولایات خصوصاً راپورتهای این دوروز بسمع آقایان رسیده ولایتها مغشوش طرق و شوارع مسدود مدرس این طور نیست .

سلطان العلماء - بعضی از ولایات مغشوش است بعد از مدتی که امروز کابینه برای معرفی آمده است و ما امیدواریم که خاتمه باوضاع گذشته بدهد تمام ما باید متحد بشویم قیام بکنیم و برای مملکت خدمت کنیم من هیچ نظر سوئی نسبت به رفقای اقلیت و اکثریت خود ندارم بلکه در يك مملکتی هم که اقلیت نیست موافق و مخالف باید ایجاد شود که مطالب تنفیذ و حال و تصفیه بشود بنابراین همه ما باید اهتمام داشته باشیم وساعی و جامد باشیم از این که این پرگرام دولت بموقع اجرا گذاشته شود والا بنده مرامها و پرگرام های مشمشع با الفاظ خوب در دو دوره که در مجلس وکیل بوده ام دیده ام ولی کمتر عمل دیده ام و امیدوارم حالا بیک قدمی از مرحله حرف به مرحله عمل گذاشته شود و قسمتی که آقای تدین فرمودند البته می دانند از دولتی که تازه رری کار آمده توقع عمل از او نباید کرد يك مهلتی و يك زمانی لازم دارد آنوقت اگر بآرزو و آمال هیئت متحده یا منفرد یا اقلیت رفتار نکرد باید آن دولت مورد حمله و تنقید واقع شود و الا امروز اول روزی است که هیئت محترم دولت آمده است و علاوه این پرگرام در دفعه اول کابینه آقای قوام السلطنه بمجلس آمده و آقای مشیر الدوله هم همین پرگرام را قبول کرده و دومرتبه در مجلس رای داده شده و تصویب شده این است عرایض بنده و دیگر عرضی ندارم .

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - بنده عرض این است که اگر

صلاح می دانند باین مذاکرات خاتمه دهند .

(مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

(مؤتمن الملک)

تبلسه ۱۰۷

صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه سیام جوزا ۱۳۰۱ مطابق بیست و سوم شوال ۱۳۴۰

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس صبح یوم شنبه بیست و هفتم جوزا آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای عداد السلطنه خراسانی (اجازه)

عداد السلطنه - راجع بمخصوصی آقای سردار جنگ در جلسه گذشته رای گرفته ورد شد و در صورت مجلس ذکر کردی از آن نشده است

(جمعی اظهار داشتند خیر در نشد)

رئیس - در جلسه صبح شنبه بنده حاضر نه بودم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که چه شده است ؟

حاج میرزا مرتضی - در جلسه صبح شنبه پس از اینکه راپورت خوانده شد حضرت و الا شاهزاده سلیمان میرزا برای مخالفت اجازه خواستند بعد از آن آقای مدرس اظهار فرمودند رای میگیریم اغلب آقایان ملتفت نشدند در چه خصوص رای گرفته می شود این بود که پنج شش نفر قیام نمودند بعد فرمودند موقع رای گرفتن نیست و باید مذاکره شود باین واسطه بنده تقاضا کردم راپورت به کمیسیون بر گردد که مجدداً به مجلس تقدیم دارم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - صورت مجلس البته صورت مختصراًست ولی باید اجازه و اطناب يك طور نوشته شود آقای فهیم - الملک در جلسه گذشته فرمودند که گرفتن این مالیات سابقه داشته و سابقاً هم می گرفته اند این مسئله نوشته شده ولی جواب هائی که ما دادیم و گفتیم این مالیات

نه در دوره استبداد و نه در دوره مشروطه سابقه نداشته و چنین مالیاتی گرفته نمی شد یعنی گرفتن این مالیات از تصویب مجلس نگذشته است این مسئله نوشته نشده البته باید جواب مخالفین هم در مقابل فرمایشات موافقین نوشته شود و اگر جواب های مانوشته نشود معلوم می شود که ما در مقابل جوابی نداشته ایم خوب است این مسئله اصلاح شود .

رئیس - اصلاح میشود نسبت باین

صورت مجلس دیگر ایرادی نیست (اظهاری

نشد)

صورت مجلس عصر شنبه بیست و هفتم
جوزا قرائت شد
رئیس - نسبت باین صورت مجلس
ملاحظاتی نیست
قوام الدوله - بنده از جلسه فوق-
العاده عصر شنبه اطلاع نداشتم و بنا این
ملاحظه شرفیاب نشدم
رئیس - جزو غائبین با اجازه نوشته
خواهد شد آقای ملک الشعراء
(اجازه)

ملک الشعراء - در جلسه گذشته
موضوع مهمی مطرح شد که آن مسئله انجمن
های ایالتی و ولایتی بود که آقای تدین
در ضمن مذاکرات شان فرمودند و بنده هم
فرمایشات ایشانرا تأیید کردم و عرض
کردم از بسو تشکیل مجلس اغلب بلکه
تمام آقایان نمایندگان دارای این عقیده
بوده اند که بایستی هر چه زودتر انجمن های
ایالتی و ولایتی تأسیس شود چون مسئله
خیلی مهم است اگر صلاح باشد خوب است
در صورت مجلس ذکر می از آن بشود
رئیس - مبارتی که دال باین معنی
باشد می شود آقای تدین
(اجازه)

تدین - در صورت مجلس نوشته شده
است که در جلسه گذشته بنده عرض کرده ام
باین گرام مخالف نیستم در صورتی که بنده
هیچ همچو عرض نکردم و عرض کردم نظر
باینکه این پر گرام نقایصی را داراست باین
واسطه با آن مخالفم
رئیس - این طور نوشته نشده
تدین - بنده اینطور شنیدم
رئیس - آن قسمت مجدداً قرائت
می شود.

(قرائت شد)

تدین - بنده اشتباه شنیدم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی
ندارم.

رئیس - این صورت مجلس هم از
این دو فقره اصلاح تصویب شد

آقای ارباب کیخسرو - اجازه

ارباب کیخسرو - راجع باظهار

آقای ملک در خصوص مسئله تجارت بنده
بصورت مجلس مراجعه کردم از ظاهر عبارات
صورت مجلس همچو چیزی که بنده تصور
کرده بودم مفهوم نمی شد و بطوریکه
عرض کرده بودم که مال میل را باین مسئله
داشتم که در این فضا چنین اظهاری نشده
باشد و از این سوءتفاهم و تعبیری که نسبت
بفرمایشات ایشان شده بود از شخص ایشان
معذرت می خواهم ولی امیدوارم مجلس عملاً
اهمیت تجارت را در آتیه نشان بدهد امروز
را اگر بنده از آقای ملک الشعراء معذرت

می خواهم فردا منتظر خواهم بود که عملاً
اهمیت تجارت در این فضا معلوم شود و
نظریات بنده چنانچه در موضوع قالی و
کتیرا عرض کرده ام هیچ فرق نگرفته و
عقیده ام همان است که قبلاً عرض کرده ام

ملک الشعراء - خیلی متشکرم

رئیس - طرح قانونی راجع به
معرومیت آقایان و کلا از مشاغل دولتی
مطرح است

آقای میرزا محمد نجات - بنده
عرض دارم.

رئیس - بفرمائید

نجات - چون این طرح قانونی
خیلی مهم است و باید باینکه تعمق و تأملی
از مجلس بگذرد لذا موافق ماده سی و هشتم
نظامنامه داخلی تقاضا می کنم این لایحه به
کمیسیون انتخابات مراجعه شود تا در آنجا
تحت مذاکره درآمده و اصلاحاتی که لازم
است در آن بشود مجدداً به مجلس
بیايد.

رئیس - ماده سی و هشتم را قرائت
فرموده اید.

نجات - بلی خوانده ام

رئیس - برای استحضار آقایان
قرائت می شود
(آقای متحصرون الملک شرح آتی
قرائت نمودند)

ماده سی و هشتم - در صورت عدم توجه
آن طرح رد شده محسوب می شود و در
صورت قبول توجه به شعبات فرستاده می-
شود که کمیسیونی برای آن تشکیل دهند
و نیز ممکن است به کمیسیونی که قبل از وقت
تشکیل و مربوط باین طرح است رجوع شود
هر گاه کمیسیون مبتکرات ملتفت شود که
طرح مزبور مربوط به کمیسیونی است که
قبل از وقت تشکیل شده می تواند از مجلس
تقاضا می نماید که آن طرح را به همان کمیسیون
رجوع نمایند

رئیس - این تقاضا را شما بایستی
از اینک که این طرح قانونی کامل توجه شد
بفرمائید.

نجات - از این ماده اینطور مفهوم
می شود پس از آنکه این طرح قانونی بمجلس
آمد باید برود بکمیسیون

رئیس - مقصود این است که پس از
اینکه طرح قانونی قابل توجه شد کمیسیون
مبتکرات می تواند بمجلس ارائه طریق
نماید که آن طرح را به کمیسیون خاصی
که قبلاً تشکیل شد یا به کمیسیونی که
مربوط بآن کار است ارجاع نماید آقای
فتح الدوله.

(اجازه)

فتح الدوله - بنده هم معتقد بودم
که آقایان امضاء کنندگان اگر ابتدا توجه
می فرمودند و نظریاتی را که راجع باین طرح
قانونی داشتند به کمیسیون تجدیدنظر در

قانون انتخابات اظهار می داشتند بعقیده
بنده خیلی بهتر بود تا اینکه یک چنین
پیشنهادی را بدون مقدمه بمجلس عرضه
بندارند حالاً مقدمه عرض میکنم که در فرا کسیون
مبست متعصبه در این موضوع
مذاکرات زیادی شد و بالاخره رأی در این
موضوع را آزاد گذاشتند که بعضی بعنوان
مخالفت و بعضی بعنوان موافقت حرف بزنند
و این تظاهرات دلیل بر مشاجره نیست این
است که بنده می توانم بعنوان مخالفت یا
بعنوان موافقت حرف بزنم لیکن عقیده بنده
مخالف با این پیشنهادات اصل سی و دوم
قانون اساسی تجویز کرده است که وکیل
می تواند شغل موظف دولتی را قبول کند
منتهی پس از قبول آن شغل از وکالت منفصل
می شود و بعقیده بنده این پیشنهاد مخالف
اصل سی و دوم قانون اساسی است و بنده
عقیده ندارم که هر روز نمی توان تغییر و یا
تفسیر یک ماده از قانون اساسی را لغو و یک
موادی که برخلاف قانون اساسی است
بجای آن مواد وضع کنیم به علاوه این مسئله
بعقیده من با قواعد طبیعی هم مخالف است
چون دلیل دارد بنده که قبول نمایندگی کردم
از هر گونه حقوق بکلی محروم بمانم؟ ممکن
است یک نفر پس از آنکه مقام نمایندگی را
قبول کرد و بمجلس آمد بعد به بیند نمی-
تواند از عهده انجام وظائف نمایندگی
بر آید استعفا بدهد آنوقت برای چه باید
از سایر کارها محروم بماند بعقیده بنده
علاوه بر اینکه این مسئله مخالف قانون
اساسی و قواعد طبیعی است مخالف مردم
بتمام جمعیت ها هم هست و در سایر ممالک
که حکومت شوروی و مشروطه را قبل از ما
دارا شدند چنین قانونی ایجاد نشده و در
هیچ يك از نقاط عالم معمول نیست کسی
قبول نمایندگی کرد از سایر کارها محروم
بماند خصوصاً ماده دوم این لایحه که می-
نویسد این قانون شامل حال نماینده گان این
دوره هم که می شود در صورتی که هیچ
قانونی عطف به ماسبق خود نمی شود و چنانچه
وقتی در تمدید و دوره نمایندگی مذاکره
بود مخصوصاً در این گفته شد چون ما
مطابق نظامنامه انتخابات و قانون اساسی
برای مدت دو سال انتخاب شده ایم این تمدید
شامل حال مانی شود حالاً هم هیچ وجه این
قانون شامل حال وکلای دوره حاضر نمی-
شود اگر آقایان پیشنهاد کنندگان مصر
باشند که این پیشنهاد از مجلس بگذرد
لااقل باید قانون را از دوره پنجم قرار
بدهند نه اینکه شامل حال نمایندگان این
دوره هم بشود بهرجهت بنده این قانون را
بکلی مخالف مرام تمام جمعیت ها و قانون
اساسی می دانم و خیلی خوشوقت می شدم
اگر آقایان امضاء کنندگان این پیشنهاد
را مسترد می داشتند و وقت مجلس پیش از
این تضییع نمی شد

رئیس - آقای آقا سید محمد تقی
طباطبائی

(اجازه)

آقا سید محمد تقی - بنده
مخالفم.

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
دولت آبادی موافقت یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - مخالفم
رئیس - آقای امین الشریعه

(اجازه)

امین الشریعه - بنده موافقم ولی
حالا عرضی ندارم آقای مدرس پیشنهادی
فرمودند هر وقت پیشنهاد ایشان مورد بحث
واقع شده بنده هم عریض خود را عرض
خواهم کرد.

آقا شیخ محمد حسن گروسی
بنده قبل از آقایان اجازه خواستم

رئیس - این اسامی است که در جلسه
گذشته اجازه خواسته اند و ثبت شده است
(خطاب به آقای امین الشریعه) پیشنهاد آقای
مدرس امروز نمی تواند مورد بحث واقع
شود.

امین الشریعه - بسیار خوب هر وقت
مطرح مذاکره شد عریضم را عرض
می کنم.

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد
کرده اند این مسئله در دستور امروز خارج
و به کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات
مراجعه شود

محمد هاشم میرزا - هنوز در
این باب مذاکره نشده و ناقابل توجه نشود
از جاع آن به کمیسیون موضوع ندارد

مدرس - خوب است بقابل توجه
بودن این طرح قانونی رأی بگیری

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
موافقت یا مخالف

محمد هاشم میرزا - بنده
مخالفم.

رئیس - آقای تدین چه طور ؟
تدین - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای گروسی هم مخالفند؟
حاج شیخ محمد حسن گروسی -

خیر بنده موافقم
رئیس - بفرمائید

حاج شیخ محمد حسن - وکالت از جهة
فقود و عهد جائز است باین معنی که
موکل می تواند وکیل را منفصل کند و
وکیل هم می تواند از وکالتی که یا واکذار
شده استعفا بدهد

آقای میرزا هاشم آشتیانی - یعنی
وکالت شرعی

حاج شیخ محمد حسن - وکالت شرعی
و عرفی فرق نمی کند زیرا شرع هم تقریر

وکالت عرفی را کرده است و وقتی که
شرع تقریر کرد و بعقل تعلق می کرد و
چون شرع هم با او موافقت کرد پس

و کالت شرعی و عرفی یکی میشود قانون اساسی و کبیل را آزاد گذارده است که هر وقت بخواهد استعفا بدهد و مخصوصاً قید هم کرده است که اگر و کبیل مستعفی شد و رفت يك کار موظف دولتی یا غیر دولتی را قبول کرد ورود او مجدداً به مجلس و احراز مقام نمایندگی او منوط است باینکه مجدداً او را انتخاب کنند و چنانچه در هیچ کجای قانون اساسی موکلین را منع نکرده است که تا آخر دوره نتوانند مجدداً آن و کبیل مستعفی را انتخاب کنند در هیچ کجای قانون اساسی هم ذکر نشده است که موکلین در مدت دو سال که دوره انتخابات است حق ندارند و کبیل منتخب خود را معزول کنند

محمد هاشم میرزا - در قانون اساسی ذکر شده است

حاج شیخ محمد حسن - آنچه در قانون اساسی ذکر شده اینست که وکالت برای مدت دو سال است یعنی ابدی نیست حالا در صورتی که و کبیل می تواند در دوره انتخابات از کار کناره کند (هیچ کجای قانون اساسی هم موکلین را از عزل و کلاهی منتخب خود منع نکرده)

چه دلیل دارد این آزادی و حق مشروع موکلین را از آنها سلب کنم (چنانچه سلب هم شده است) یعنی بگوئیم پس از انتخاب و کبیل دیگر موکلین حق ندارند آنها را معزول کنند بلی ممکن است آقایان ایراد بفرمایند که این پیشنهاد حقوق يك عده قلبی را پایمال می کند بلی صحیح است ولی در مقابل اینکه يك آزادی بزرگ از عده کثیری که موکلین هستند سلب میشود این سلب آزادی از این عده قلیل اهمیتی ندارد بلی اگر مجلس شورای ملی در موضوع این سلب آزادی موکلین نظری داشته باشد و آنها را آزاد بگذارد که هر وقت می خواهند و کلاهی منتخب خود را معزول کنند و نظامنامه برای کار ترتیب دهند آنوقت این پیشنهاد چندان موضوعی ندارد ولی حالا که این آزادی از موکلین سلب شده است چه ضرر دارد برای و کلا هم يك چنین قیدی بشود بعلاوه این پیشنهاد جلوگیری از استعفا دادن و کبیل نمی کند ممکن است هر وقت می خواهند استعفا بدهند منتهی نامدنی که موکلین آنها را برای آن مدت بوکالت انتخاب کرده اند حق ندارند کار دیگری را قبول کنند و چون يك حق مشروع موکلین که عزل و کلاست و هیچ کجای قانون اساسی هم موکلین را از این مسئله منع نکرده است از آنها سلب شده در مقابل این سلب آزادی باید این قید هم برای و کلا بشود که این مسئله تکافو و تعادل بکند با آن سلب آزادی موکلین و این هم چیزی نیست که باصل وکالت صدمه بزند یا اگر و کبیل بخواهد

استعفا بدهد نمی تواند بهره جته از نقطه نظر تکافو و تعادل و برای اینکه و کلا کمتر استعفا بدهند کمتر رضایت موکلین بعمل بیاید و هم اسباب خسارت دولت نشود این پیشنهاد را ما تقدیم داشتیم وای اگر موکلین را آزاد بگذارند و این آزادی را که از آنها سلب شده بآنها عودت بدهند یعنی انتشار بدهند که موکلین می توانند و کلاهی خود را منفصل نمایند و يك نظامنامه انفصالیه مثل نظامنامه انتخابات برای این کار ترتیبی بدهند که موکلین از این آزادی استفاده کنند دیگر این پیشنهاد وجوبی ندارد ولی تا این کار نشده و آزادی موکلین که از آنها سلب شده بآنها عودت داده نشده است این پیشنهاد هیچ عیبی ندارد

رئیس - اظهاراتی که آقای گروسی فرمودند راجع بوکالت های شرعی است در وکالت های سیاسی موکل نمی تواند و کبیل را نهی کند زیرا اگر بنا باشد چنین چیزی وقوع پیدا کند همین مسئله اول اغتشاش می شود (صحیح است صحیح است) زیرا و کلا آلت است موکلین می شوند و هر روز موکلین تقاضاهای جدیدی می کنند و و کبیل را تهدید می نمایند که اگر در این تقاضای مارای ندهی تو را معزول می کنم و این مسئله اسباب هرج و مرج می شود آقای نجات تقاضا کرده اند ماده سی و هشت مجدداً قرائت شود

آقا میرزا محمد نجات -

بنده عرض کردم معنی ماده این است که به کمیسیون مراجعه شود حالا که میفرمائید اینطور نیست عرضی ندارم و قبلاً این تقاضا را کرده بودم نه حالا

رئیس - آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی

(اجازه)

آقا سید محمد تقی طباطبائی -

راجع باظهارات آقای گروسی چون حضرت آقای رئیس فرمودند در آن موضوع دیگر عرض نمیکنم ولی سبب مخالفت بنده با اصل پیشنهاد از چند نقطه نظر است اولاً این که این پیشنهاد مخالف ماده سی و دوم قانون اساسی است در همه عالم تمام احزاب و فرق و تمام دسته ها سعی و کوشش میکنند که رشته امور حکومت را درید قدرت خود را آورده و اصلاح مملکتی را بروفق مرام و داخواه خودشان شروع کند و برای این کار در راه پیش میگیرند یا بطریق انقلاب این کار را انجام میدهند یا بطریق تکامل و تدریج ؟

طریق تکامل و تدریج این است که مردم زحمت میکشند و از میان خود شخصی را که طرف توجه آنها است برای وکالت انتخاب میکنند و بمجلس میفرستند اگر

آن و کبیل استعداد و لیاقت داشته باشد البته بمقام وزارت هم میرسد و چنانچه دیده ایم اشخاص دانشمندی که طرف اعتماد هستند از قبیل آقای مشیرالدوله و آقای مستوفی - الممالک و آقای قوام السلطنه و سایر اشخاصی که در گذشته بوده اند از مقام وکالت به وزارت رسیده و هیچ دلیل ندارد آنها را محروم کنیم لذا بنده با این پیشنهاد مخالفم

رئیس - آقای دست غیب -
حاج سید محمد باقر دست غیب -
مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - برای رفع

اشتباه بعرض دستجات مجلس و بعضی آقایان عرض میکنم اینکه آقای فتح الدوله فرمودند اعضا هیئت متعده آزادی دارند البته در هر موضوعی اقلیت تابع اکثریت است ولی چون این پیشنهاد قبل از تشکیل هیئت متعده بمجلس تقدیم شده بود از این جهت اعضا هیئت متعده را آزاد گذارند اما مسئله که راجع بقانون اساسی فرمودند بنده عرض میکنم اگر بآن ماده از قانون اساسی ملاحظه نمائیم می بینیم مطلب آن این است که اگر و کبیل شغل دولتی را قبول کرد از وکالت منفصل میشود و اگر بخواهد مجدداً عضو مجلس بشود محتاج بانتخاب ثانوی خواهد بود و این ماده بهیچوجه ناظر باین مسئله نیست و همانطور که آقای فتح الدوله فرمودند شرح و تفسیر قانون اساسی با مجلس شورای ملی است اکثریت مجلس هر طور صلاح دانست همان صحیح است و اما اینکه فرمودند نباید و کلا را محروم کرد بنده عرض میکنم مملکت ما آزادی از فرانسه بیشتر نیست در فرانسه بتازگی تصمیم گرفته اند و مأمورین دولتی را از انتخاب محروم کرده اند یعنی چه ؟ یعنی از تکامل همچو فهمیده اند که باید اعضا ادارات دولتی از انتخاب شدن محروم باشند و عقیده بنده این است نمایندگان هم از قبول شغل دولتی باید محروم باشند و کبیل هم دارد و آن این است که از ولایات و ایالات نمایندگان را انتخاب مینمایند برای اینکه بیایند در مجلس که مرکز قوای مملکت و مرکز نقل مملکت است پیشیند و رشته سیاست مملکت را در دست بگیرند ولی بعد از آنکه از مجلس منفصل شدند آنوقت رشته سیاست هم از دست شان در می رود این يك نظر بود نظر دیگر این است و از راه حقوق وارد میشوم نسبت بوکالت عرفی عرض میکنم نه از نقطه نظر آقای گروسی و بنده با فرمایشات ایشان مخالفم موکل موافق قانون اساسی ابداً حق ندارد و کبیل خود

را معزول کند یا در تحت يك قانون انتخاب شده ایم و موکلین در موقعی که و کبیل انتخاب میکنند تمام اختیارات سیاسی و اقتصادی خودشان را بآن و کبیل واگذار مینمایند و میگویند تو و کبیل هستی و اختیارات امور سیاسی و اقتصادی ما در دست تو است و چون موکل و کبیل را باین اطمینان معین کرده و روانه نموده است بعد از آنکه ملت این امانت را با وسپرد و او را بر مرکز نقل مملکت که مجلس باشد فرستاد تصور می کند اوشغل خود را تغییر نخواهد داد در این صورت بنده خلاف انصاف می دانم که آن شخص مرکز نقل را از دست بدهد و مقام دیگری را اختیار نماید این بود که ما این پیشنهاد را کردیم معذالك محکوم اکثریت هستم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده چون نظرم این است که حتی المقدور انتخابات بصحت بگذرد باین جهت مقدم بهر وسیله که ممکن است باید در تصحیح امر انتخابات و دوام ایام و کالت کوشید و البته انتخابات هر ناقص و ممایبی داشته باشد باید بتدریج رفع کرد ولی متأسفانه این پیشنهاد چون برخلاف قانون اساسی است باین جهت نمی توان اظهار موافقت بنمایم و اما آقایانی که میفرمایند مخالف با قانون اساسی دارند بلی بامنطوق مخالفتی ندارد ولی دلالت الزامی و تضمینی این مطلب را تأیید نمیکند بعد از آنکه قانون اساسی تصریح دارد و میگوید اگر و کبیل استعفا نمود یا منفصل شد مجدداً میتواند انتخاب شود و بمجلس بیاید ما نمیتوانیم این حق را از او سلب کنیم قانون اساسی تصریح دارد بر اینکه و کبیل میتواند استعفا دهد و شغل موظفی اختیار نماید نهایت اینکه اگر از وزارت معزول یا منفصل شد و خواست بمجلس بیاید باید مجدداً از طرف ملت انتخاب شود در صورتی که قانون اساسی این مسئله را تجویز کرده است ما چطور میتوانیم بواسطه قوانین عادی آن را از بین ببریم و عقیده بنده این است که باید قانون اساسی را حفظ کنیم بلی طرق دیگر از برای این امر متصور میشود و آن این است که و کبیل را روز اولی که می خواهند انتخاب بنمایند ملزم کنند که در دوره وکالت خود استعفا ندهد و شغل دیگری را عهده دار نشود و این يك چیز است که مخالف قانون اساسی هم نیست ولی این پیشنهاد را نمیشود قبول کرد زیرا برخلاف مدلول قانون اساسی است

رئیس - آقای مدرس موافقت

مدرس - بلی

رئیس - بفرمائید

مدرس - يك مطلبی بنظر من میرسد که گویا از برای اغلب آقایان اشتباه شده است و متصل تکرار می فرمایند در ماده دوم این لایحه نوشته شده است که این قانون شامل حال نمایندگان این دوره هم خواهد شد آقایان تصور می فرمایند نمایندگان این دوره یعنی کلیه نمایندگان که از ابتدای دوره چهارم در مجلس بوده اند و اعتبارنامه آنها تصویب شده است در صورتی که چنین نیست نمایندگان این دوره یعنی نمایندگان که از حالا بعد به سمت نمایندگی انتخاب می شوند و به مجلس می آیند یکی از آقایان نمایندگان در جلسه قبل فرمودند شاید این نظر آقایان اهل عامه است چون آنها کمتر داخل کار می شوند این نظر را دارند بنده عرض می کنم این طور نیست این را آلا ن داو طلبان اهل عامه که در مجلس هستند برای دخول در کارها کمتر از کلامی هائیکند و الحمد لله رب العالمین همه خدمت گذار بمملکت هستند و در ادارات عدلیه و معارف و اوقاف و سایر جاهام هستند پس این يك امر خلاف شرعی نیست بلکه مقصود از این لایحه بقاء مجلس شورای ملی است زیرا تجربیات چند دوره بهمانشان داده است اشخاصی که وکیل می شوند و وکلین آنها را بجهت وکالت انتخاب کرده اند نه کار دیگر و اگر آنها بخواهند شغل دیگری را عهده دار شوند باز وکالت استعفا دهند هم رضایت خاطر موکلین آنها بعمل نیامده و هم اسباب زحمت و خسارت دولت می شود بعلاوه این قانون چیز تازه نیست که مخالف قوانین شرع و عرف باشد چنانچه برای انتخاب شوندگان يك قوانین و يك شرایطی وضع شده است اینهم یکی از آن شرایط است که وکیل پس از آنکه انتخاب شد و لو اینکه از وکالت هم استعفا بدهد حق ندارد در آن دوره شغل دیگری قبول کند حال آنکه دانم این چه مانعی از حیث قانون اساسی و غیر قانون اساسی دارد؟ بعقیده بنده هیچ مانعی ندارد که يك شرط بر شرایط وکیل اضافه شود بعضی از آقایان عقیده شان این است که اگر وکیل استعفا داد و خواست شغل دیگری را قبول نماید بموجب این قانون نمی تواند و این برخلاف آزادی است بنده عرض می کنم این مطلب بعقیده شما خلاف آزادی است و بعقیده بعضی دیگر که یکی از آنها خود بنده هستم خلاف آزادی نیست و در دنیا خلاف آزادی بی دلیل لازم است اهالی يك نفر را وکیل می کنند که در ظرف دو سال برود خدمت یعنی حفظ سیاست موکلین خود را بنماید هیچ موعلی در موقعی که ورقه انتخاب داد نظرش این نیست که من بیایم در این جا و شش ماه برای او کار کنم بعد بروم يك کاری برای خودم پیدا کنم کدام موکل نظرش این است که

وکیل او شش ماه از برای او کار کند ولی مابقی مدت را برود از برای خودش کار کند؟

شما وکالتی را قبول کرده اید از اول که قبول نمایندگی را نمودید شش ماهه قبول کردید یا دو ساله چه شده که در سیاست این مسئله برای موکل لازم شده است و برای وکیل لازم نیست اگر سیاست است هر دو سیاست است

شما که قبول نمایندگی نمودید شش ماهه قبول کردید یا دو ساله

اگر از اول می گفتید من شش ماهه میروم آن وقت هیچ کس بشما رای نمی داد

پس این هیچ فلسفه ندارد بلکه مضر است و عقیده بنده این است که این قانون هیچ مانعی ندارد

یعنی هر کس شغل دیگری را عهده دار شود و وجودش از برای آن شغل نافع است از اول قبول نمایندگی نه نمایند و هر کس خودش را لایق از برای وکالت می داند از برای دو سال آن خدمت را قبول کند که بیاید و دو سال برای موکلین خودش خدمت نماید

حالا اگر قانونی بگذارند که هر کس وکالت را دو ساله قبول کرده است باید تمام این دو سال وکالت باقی بماند ابداً مخالفتی با قانون اساسی ندارد مخالف کدام ماده قانون اساسی است از اول می خواست قبول نکند و بعد از قبول کردن می بایستی در آن دو سال شغل دیگری را عهده دار نشود و بعقیده من همه شماها که چند دوره طی کرده اید گمان می کنم با این مسئله موافق باشید ولی اگر نظر دیگری داشته باشید که النفع باشد بنده سراغ ندارم

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده پربروز ادله موافقین با این پیشنهاد را گوش دادم مضمونش را وقتی تجزیه کنیم سه دلیل می شود :

اولا بعضی از آقایان نظریاتشان در اصل انتخابات بوده که انتخابات باید می شود و ممکن است صغی و کبری انتخاب بد باشد و در نتیجه يك اشخاص بدی انتخاب شوند و بیایند این جا و آن اشخاص نا لایق وزیر شوند

(یکی از نمایندگان - کسی همچو حرفی نزده است)

محمد هاشم میرزا - در صورت مجلس است بنده مقاصد همه آقایان را یادداشت کرده ام فرمایشات آقایان همه فرضیه بود

اگر ما بفرض بدی انتخابات که اصلا فرض کنیم انتخابات بد می شود این دلیل کافی نیست و باید قانون انتخابات را اصلاح کرد و بهتر کرد و نفوذ متنفذین و اشخاص را که شایسته این کار نیستند کسر کرد و انجمن های ایالتی و ولایتی که در قانون تصریح دارد باینکه انتخابات بایستی با بودن انجمن های ایالتی و ولایتی انجام بشود باید تشکیل داد چون آنها ابصر بحال مردم هستند و با بودن آنها تا اندازه از دسائسی که ممکن است در انتخابات بشود می شود جلوگیری نمود فرضاً انتخابات بد شد آن را علاج کرد

بعلاوه برای انتخابات دلیل بر بدی منتخب نمی شود ممکن است يك منتخبی جریان انتخابش موافق قانون انتخابات نباشد ولی شخص خوبی باشد یا يك منتخب دیگر موافق قانون انتخابات شده باشد ولی يك شخص بد اخلاق و بدی باشد حالا این شخص اگر صالح نیست چرا همه عدم صلاحیت بدی او را منحصر به قبول مشاغل دولتی یا وزارت می کنند؟ وکالت هم همین طور است وکیل هم همانطور می تواند کارهای خوب بکند ممکن است کارهای بد هم بنماید

بنا بر این بنده علت انحصار را نمی دانم چیست؟

هالبا منتخبین و آقایان نمایندگان از روحانیون یا منتخبین روحانیون هستند و تاکنون هم هیچکس از معصومین شغلی را قبول نکرده فقط بنده نظرم هست آقای مساوات که از معصومین هستند بسمت معاونت وزارت عدلیه را داشتند و پس از چندینی که آمدند بمجلس بعد هر چه اصرار کردند دیگر قبول نکردند خود آقای رئیس در سنه ۱۳۲۹ تا ساعت شش از شب گذشته در همین مجلس هر چه بایشان اصرار کردیم که ریاست وزرائی را قبول کنند قبول نکردند شاهزاده سلیمان میرزا رکابینه مرحوم علاء السلطنه و عین الدله هر چه به ایشان اصرار کردند وزیر بشوند قبول نکردند آقای طباطبائی تولیت آستانه را بایشان پیشنهاد کردند هر چه اصرار کردند قبول نکردند چرا بآن یکی دو نفری که در هر دوره از مجلس خارج شده اند نگاه

بآنهائی نگاه کنید که با این همه اصرار از مجلس نرفته اند بعلاوه آیا تصور می کنید اشخاصی که وزیر شده اند بدون سابقه رفته اند وزیر شده اند؟ خیر بعضی از آنها مکرر وزیر بوده اند مثلا آقای حکیم الملک نوزده دفعه دیگر وزیر بوده اند این دفعه بیستم بوده است و آقای امیراعلم وزیر بوده اند دیگران هم وزیر بوده اند دو سه نفر هم بوده اند که وزیر نبوده اند یا معاون بوده اند یا کارهای دیگری

داشته اند که بواسطه سابقه و اطلاعات اداری اگر در اداره خودشان هم بودند ممکن بود وزیر بشوند این قسمت هائی که آقایان محترم می فرمایند و استدلال می کنند يك امتحاناتی است

متلاسمتی را که آقای گروسی فرمودند و وکالت را امر اختیاری می دانند البته از نقطه نظر شرعی فرمایشات ایشان معتبر است زیرا وقتی موکل آن نظری را که نسبت به وکیل دارد از او برداشت و او را عزل نمود وکالت از بین می رود اما وکالت عرفی دائر مدار این است که وکیل قابل عزل نباشد

در هر حال دلائل زیاد است که جواب نظریه دقیق آقای گروسی را بدهد چنانچه مطابق ماده پنجم قانون اساسی صریحاً می نویسد منتخبین برای مدت دو سال تمام از طرف ملت انتخاب می شوند اما اینکه آقای مدرس فرمودند این هم مثل یکی از شرایط دیگر وکالت است بنده عرض می کنم این شرط جزء آن شرایط نیست این که می فرمایند منتخبین را ملت برای مدت دو سال تمام انتخاب می کنند و اگر هر آینه بدانند در وسط سال مجلس را ترك کرده کار دیگری قبول می کنند آنها انتخاب نمی کنند و چه نیست بهترین دلائل و سابقه این است که دیدیم آقای مشیرالدوله وکیل شدند و بعد از هشت روز استعفا دادند همچنین آقای وثوق الدوله وکیل طهران بودند و بعد از یازده روز استعفا دادند وزیر مالیه شدند و همین طور آقای مستوفی الممالک انتخاب شدند و بعد استعفا دادند و باز همه اینها دو مرتبه از طرف ملت انتخاب شدند پس معلوم می شود آن نظریه آقای مدرس هم وارد نیست

و این وکالت را هم اصلا نمی شود وکالت شرعیه تشبیه کرد بجهت این که معلوم نیست وکیل کیست و آن شخص که انتخاب می شود وکیل شخصی نیست بلکه وکیل اکثریت است اما این که می فرمایند از نقطه نظر اقتصادی و مالی مبالغی ضرر دولت است آن هم این قدرها قابل توجه نیست که حالا برای خاطر او بیاییم و مبادرت بوضع چنین قانونی بکنیم بعضی از آقایان می فرمایند مردم چرا در وکالت دست از کار خود کشیده و برای وکالت مجلس زحمات میکشند باید دانست مقام شریف و ارجمند که در مملکت ما است فقط منحصر مقام وکالت است و این مقامی است که ارزش دارد باین که هر کس دست از کار خود بکشد و صندلی وکالت را اشغال کند و در نتیجه از حقوق ملت دفاع کرده بمملکت خدمت کند یا این که خیر فرض می کنم اشخاصی هستند که از نقطه مسلکی و از نقطه سیاسی می خواهند عقاید خود را ترویج کنند در این صورت هم

چون مظهر قدرت و موقع اظهار عقاید تنها مجلس شورای ملی است از این جهت مجلس آمده مرام خود را پیش ببرند و با این که از آغاز مشروطیت چون با حکام علمای اعلام و حجج الاسلام مشروطیت شروع شد باز عده که متدین هستند می بینند مجلسی که برای حفظ مشروطیت از همه جا بهتر است و ممکن است عقاید سیاسی و مرام ها پیش برود همان مجلس است پس چرا ما باید این قدر کوتاه نظر باشیم و بگوییم کسی این مقام عالی را احراز می کند نه باید در ادارات دولتی مستخدم شود آن هم با وضع حاضره ادارات ماکه بواسطه بودن قانون استخدام گاه می بینیم یکی از اعضاء بقدری زود ترقی میکند که اگر وکیل هم باشد باین زودی و باین سهولت نمی تواند ترفیع رتبه حاصل کند و بالاتر از همه این ها مرام و مسلک دموکراسی است که مخصوصا وزراء باید از مجلس انتخاب شوند یعنی همان طوری که وکلا باید طرف اعتماد ملت باشند و وزراء باید بطریق اولی طرف اعتماد ملت باشند تا بتوانند مقام وزارت را اشغال کنند پس باین ترتیب چه ضرر دارد عموم مستخدمین دولت هم طرف اعتماد ملت نیستیم ملت باشند آقایان باید حتی الامکان و کاری کنند که قانون انتخابات را طوری مرتب کنند تا در امر انتخابات کمتر دسیه شود و الا چه ضرر دارد و کیلی که لایق و قابل وزارت است وزیر شود بعلاوه مکرور وزارت و خدمات دولتی تنها اختصاص بطهرانی ها دارد؟ غیر ممکن است یک نفری از ولایات دور دست بیاید و مقام لیاقت و کفایت خودش را ابراز دارد و در این خا وزیر شود مگر سابر اهل ایران از حقوق مدنی محرومند و چنانچه عرض کردم یکی از جاهائیکه اشخاص می توانند لیاقت خود را ابراز کنند مجلس است چه قدر ضرر دارد یک نفر تحصیل کرده با ابراز مراتب لیاقت و کار دانی خود بمقام وزارت برسد و بنده مرجع فکر می کنم نمیدانم این مسئله چه مضرات فلسفی و شرعی دارد

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است پیشنهاد قرائت می شود و بعد رای می گیریم

(مجددا شرح جلسه گذشته قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم بمقابل توجه بودن این طرح آقایانیکه این طرح قانونی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - لایحه طوابعین مطرح است (آقای منتظرالملک ماده اول را بشرح ذیل قرائت نمودند)

از عایدات خالص طوابعینی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کار میکنند یک عشر بابت حق المیاء دریافت میشود

رئیس آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - بنده باین لایحه موافقم و گمانم این است که دولت محتاج نه بود این لایحه را بمجلس بیاورد...

رئیس - موافقت؟

آقای میرزا علی - بلی موافقم

رئیس - پس بعد از یک مخالفت بفرمائید نسبت به ماده اول مخالفی هست یا خیر

(گفتند شد خیر)

رئیس - ماده دوم قرائت میشود (آقای منتظرالملک بشرح آنی قرائت نمودند)

از عایدات خالص طوابعینی که در اراضی خالصه بنا شده و با آب اربابی گردش می کنند یک عشر بابت حق الارض دریافت می شود

رئیس - آقای حاج مخبر السلطنه (اجازه)

حاج مخبر السلطنه - بنده عرض می کنم کلیه فائده که یک صاحب ملک از یک محلی می خواهد ببرد قاعدتا عاشر است و در این مورد چون خاک و آب هر دو مدخلیت دارد بنده عשר را زیاد می دانم و باید نیم عشر گرفته شود

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده موافقم و عرض می کنم که ...

رئیس - ببخشید چون شور دوم است باید بمواد لایحه رای بگیریم

(آقایانی که ماده اول را تصویب می کنند قیام فرمایند)

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (خطاب بآقا سید یعقوب) حالا بفرمائید

آقای سید یعقوب - آقای حاج مخبر السلطنه فرمودند باید نیم عشر گرفته شود اگر اطلاع داشته باشند بموجب لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود معلوم می شد خیلی زیاد تر از این گرفته می شد و امنای مالیه و تحصیلدار با فوق العاده اسباب زحمت رعایا شده بوده و حالا این مقداری که پیشنهاد شده بمراتب اقل از آن چیز است که گرفته می شده است و وقتی ملاحظه فرمائید هر یک از اینها یک نفعی دارد مثلا

آب فی حد نفسه یک انتفاعی دارد باید یک انتفاع هم بدولت بدهد همینطور زمین و هر کدام از اینها خودشان مستفاد یک انتفاعاتی دارند و باید بدولت بدهند پس این چیزی عشری که پیشنهاد شده بمعقیده بنده زیاد نیست و مطابق قوانین اسلام است و چنانچه زکوة را عشر می گیرند پس این چیزی است که هم مطابق با قوانین جاریست و هم مطابق قانون شرع و بمعقیده بنده زیاد نیست

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - بنده عرض می کنم درجائی که آب از دولت و زمین از مالک باشد باید با جاهائی که آب از مالک و زمین از دولت است تفاوت داشته باشد بجهت اینکه وقتی که آب از دولت باشد و زمین از مالک آب دولت وقتی که آب و زمین با هم باشد و ضرر با او دارد می آورد ولی درجائی که زمین مال دولت است و ضرر از زرع زمین را آسیا بنا میکنند چندان ضرری بدولت متوجه نیست پس بمعقیده بنده تساوی در مالیات آب و زمین مناسب نیست

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - املاک خالصه هم مثل املاک شخصی است همانطور که اشخاص حق دارند هر طور میل داشته باشند ملک خود را اجازه دهند همانطور هم دولت حق دارد در املاک خالصه خودش دخالت نماید و اگر ما قائل شویم از عایدی خالص طوابعین در صورتی که زمین و آب هر دو مال دولت باشد دو عشر گرفته شود تصدیق می فرمائید خیلی زیاد نیست زیرا هشت مقابل آن را برای کسی که اجازه می کند استفاده می نماید دو مقابل آن را دولت بنا بر این عقیده ام این است برای کسی که اجازه میکنند این ترتیب نافع است

رئیس - آقای حاج میرزا محمد علی موافقت یا مخالفت؟

حاج میرزا محمد علی - بنده موافقم

رئیس - آقای رفعت الدوله - چگونه؟

رفعت الدوله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای آصف الممالک موافقت؟

آصف الممالک - بلی بنده هم موافقم

رئیس - پس مخالفی نیست رای می گیریم بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده سوم قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)

از عایدات خالص طوابعینی که در اراضی خالصه بنا شده و با آب خالصه کار می کنند یک عشر بابت حق المیاء دریافت می شود

رئیس - در ماده سوم ملاحظاتی نیست آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - تصور میکنم آن اظهاری را که آقای آقا میرزا شهاب الدین فرمودند قابل توجه بود و در این جا آن اعتراضی وارد باشد از آب دولت که در آسیا وارد می شود مقداری نفع می شود یعنی از جاهائیکه به آسیا میرود تاجائیکه بزراعت میرسد مقداری از این آب شاید بمصارف متعدده میرسد و از این جهت ضرری متوجه دولت خواهد شد ولی یک قطعه زمین که برای ساختن آسیا می دهد آنقدر قیمت ندارد که مثل آب یک عشر اضافه کنند و به عقیده بنده برای زمین همان نیم عشر کافی است

رئیس - خاطر آقایان را متذکر می کنم اگر پیشنهاداتی دارند ممکن است بفرستند تا رای بگیریم آقای حاج میرزا محمد علی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - خاطر آقایان باید مسبق باشد که صد چهل از بابت مخارج موضوع میشود سابقا صد سی پیشنهاد کرده بودند و حالا صدی چهل شده است اگر چه اسماعش گرفته میشود ولی در حقیقت صدی شش گرفته میشود و عشر اینرا تذکر دادم برای خاطر آقایانیکه تصور میکردند عشر زیاد است مطلب دیگری هم که آقای میرزا شهاب الدین و آقای ارباب کیخسرو فرمودند خوب است باراضی آنجاهائیکه زمین طاحونه میشود توجه بفرمایند زیرا یک مقداری از اراضی برای زه و یک مقدار زیاد تری برای زهکش مصرف میشود و از کار می افتد اگر چه بیش از هزار ذرع زمین مختص بآسیانست ولی باین ملاحظه که عرض کردم شاید ده هزار ذرع زمین از کار می افتد و یا ملاحظه اطراف از حیث آب و زمین وقتی هر قدر درست ملاحظه کنیم می بینیم اخذ این مبلغ ضرری ندارد همانطور که بآب خسارت وارد می آید بخاک هم ضرر وارد می آید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟

محمد هاشم میرزا - بلی موافقم

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - می خواستم عرض

مملکت زیاد بشود باعث زیادی تجارت آن هم خواهد شد و اما اگر ممانع صدور پوست بشویم ترویج تجارت را کرده ایم اما راجع به قسمتی که آقای زنجانی فرمودند اگر چه آقای مخبر جواب فرمودند لکن بنده هم يك جواب دیگری به نظر من رسیده عرض می کنم هیچ قانونی نیست که تمام افراد را شامل بشود قانون متوجه اکثر است نه متوجه افراد نادره ما نمی خواهیم قانونی وضع کنیم که یک نفر هم در ایران بره نکشد مقصود ما این است که جلو کثرت کشتن بره را بگیریم باین طریق که در کمرک پوست آن ضبط شود وقتی کشته کان بره دیدند پوست آن ضبط می شود دیگر بره های خود را نمی کشند

وزیر مالیه - بنده در تأیید فرمایشات آقایان و برای استحضار آقایانی که میفرمایند منع صدور پوست بره موجب ضرر تجارت است عرض می کنم منع صدور پوست نیست زیرا آن مقداری را که دولت به نفع خودش ضبط می کند خودش بخارج میفرستد آن هارا مصرف می کند چیزیکه هست ضرری به کشتن کان بره وارد می آید ولی چون پوست های ضبط شده در داخله مصرف ندارد دولت ناچار خودش بخارج حمل نموده و خواهد فروخت

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - عرضی ندارم
رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده مخالف هستم برای اینکه گوشت یا لبنیات در مملکت فراوان و ارزان بشود از یکی از صادرات مهم مملکت جلو گیری کنم

رئیس - آقای سدید الملك (اجازه)

سدید الملك - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده باین قسمت که تمام پوست ها ضبط بشود مخالفم و پیشنهاد کرده بودم صدی و هفتاد و پنج گرفته بشود زیرا بر فرض اینکه دولت تمام هارا هم ضبط کند بیش از صد و هفتاد و پنج نمی تواند منفعت ببرد آن وقت اگر نثار نخواهند پوست را بخارج ببرند که فرقی نمی کند و اگر بخوانند ببرند صد و هفتاد و پنج کافی است زیرا دولت هم اگر ضبط کند بیش از صد و هفتاد و پنج نمی تواند منفعت کنند زیرا اگر بخواند به خارج

حمل کند یا بمزایده بگذارند ناچار يك مخارجی بر آن تعلق خواهد گرفت که بیش از صدی هفتاد و پنج عاید دولت نخواهد شد بنابراین بهتر آن است همان صد و هفتاد و پنج گرفته شود و اگر آقای مخبر قبول نمیکند خوب است توضیح بفرمایند تا بنده قانع شوم

طباطبائی - کمسیون با پیشنهاد حضرت والا موافقت ندارد زیرا این پیشنهاد دولت دارد اولاً مالیات محسوب می شود در صورتی که مقصود دولت و مجلس وضع مالیات نیست بر صدور پوست بره و مقصود منع ذبح بره است اگر صد و هفتاد و پنج کمرک وضع کردیم مالیات می شود و از طرف دیگر معلوم نیست وضع صد و هفتاد و پنج منع صدور پوست را بنماید زیرا ممکن است پوست ارزان قیمت خریداری شده باشد و اگر هم صد و هفتاد و پنج کمرک از آن دریافت کنند باز در خارج به قیمتی فروخته شود که صدورش نفع داشته باشد بنابراین عقیده بنده این است که بکلی ضبط شود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده باز هم عرض می کنم باینکه موافقم صادرات باید ترویج شود ولی چون این مسئله به نفع عموم است البته آقایان هم موافقت خواهند کرد ذبح بره موقوف شود اما بنده عرض کردم کلمه به نفع دولت رامضر میدانم زیرا ما هر قانونی وضع کنیم و بگوئیم در کمرک فلان چیز ضبط شود البته متعلق به دولت است و دیگر لازم نیست در این جا این قید را بکنیم و ممکن است از این کلمه يك ضرر هائی متوجه ما شود بعقیده بنده همین عبارت دولت ضبط کند کافی است

وزیر مالیه - این جایك توضیحی لازم است زیرا در ماده قانون بطور مطلق نمی توان گفت دولت ضبط کند باید نوشته شود مأمورین دولت ضبط کنند و وقتی گفته شد مأمورین دولت ضبط کنند باید معلوم شود به نفع کی و در کجا ضبط کنند و بچه مصرف باید برسد آنرا يك مالیات هائی است به نفع دولت یا به نفع بلدی یا به نفع ولایت گرفته می شود این است که در خصوص پوست بره هم معلوم می شود به نفع کی ضبط می شود و بچه مصرف باید برسد ممکن است قید شود به نفع مصارف بلدی یا ایالتی ضبط کنند و بسوزانند در هر صورت این عبارت لازم است وضبط شود کافی نخواهد بود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم

آقای نظام الدوله - اجازه نظام الدوله - بنده باین ماده مخالفم زیرا گمان می کنم اگر آقایان درست دقت بفرمایند خواهند دید که صاحبان میش و بره به نفع خودشان بیشتر علاقه مند هستند و بعلاوه اگر این بره ها که کشته می شود مال ایلات و طبقات رعایا است و بسا هست که يك میش در سال دو بره می زاید و نمی تواند آن دو بره را پرورش بدهد و صاحبش مجبور می شود یکی را بکشد و دیگری را نگاه دارد بنده تصور می کنم این قانون برای داخله مملکت ضرر خواهد داشت باید مالکین و صاحبان بکوشند آزاد باشند اگر يك چنین موقعی پیش آید بتوانند بره خود را بکشند و از پوست آن استفاده نمایند

مخبر - بر فرض این که يك میش دو بره داشته باشد صاحبش یکی از آنها را می کشند و پوستش را در داخله می فروشد و هیچ ضبط نمی شود

رئیس - مذاکرات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رای می گیریم بماده اول آقایانی که ماده اول را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت می شود

(آقای منتصر الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مأمورین کمرک مکلف اند پوست های بره که از خارج وارد خاک ایران می شود مهرسری نمایند برای این که از پوست های داخله ممتاز بوده و در موقع خروج از سرحد از ضبط معاف باشند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده می خواستم ببینم آقایان چه نظری در مهرسری داشته اند آیا می خواهند عدل را مهرسری بزنند تا هر يك فرد از آن پوست هارا اگر بخوانند هر يك فرد از آن پوست هارا مهر بزنند بنده آن را عملی نمی دانم زیرا بالاخره ممکن است مهر را بردارند و بطور قاچاق بفروشند بنده تصور می کنم این برای پوست هائی است که از خارج می آید که از داخل ایران عبور کند و به آن پوست هادست زده نشود اگر مقصود این است توضیح بفرمایند تا بنده قانع شوم

مخبر - ما مخالفتی نداریم که يك پوستی از خارجه بیاید و در داخله فروخته شود و این مهر را هم بردارند این مهر برای این است که اگر بخوانند این قسم پوست را از يك سرحدی وارد کنند و از سرحد دیگر خارج نمایند یا برگردانند از ضبط معاف باشند زیرا ممکن است در ایران بیاورند و فروخته نشود و باز آن را

مراجعت دهند یا از سرحد دیگر خارج نمایند ماحق ضبط این قسم پوست را نداریم و در داخله هم می توانند مصرف کنند

رئیس - دیگر ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - رای می گیریم بماده دوم اگر تصویب می فرمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه مکلف است در هر محل از روز اعلان این قانون تا پنج ماه بعد از آن پوست بره مهلت دهد که پوست های موجوده خود را با داره مالیه کمرک برده مهرسری مخصوص نمایند پوست هائیکه در مدت مزبور مهر شده باشد از ضبط در سرحد معاف خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - اولاً بنده مخالف هستم که از روز اعلان این کار بشود زیرا ممکن است يك قانونی اینجاست تصویب بشود و بعد بدست دولت بیفتد و دولت بخواهد آن قانون را اجرا کند باید نوشته شود از تاریخ تصویب تا نیا این جامی نویسد تا پنج ماه بعد از آن پوست مهلت داده می شود خواستم بدانم آیا مقصود این است بکسانی که تا تاریخ تصویب این قانون پوست بره دارند مهلت داده می شود یا این که در ظرف این پنج ماه اجازه کشتن بره دارند و بعد از پنج ماه ممنوع خواهد بود؟ این دو مسئله است و باید از هم تفکیک شود

مخبر - راجع باین که فرمودید مخالف باروز اعلان هستند و خوب است از روز تصویب معین شود عرض می کنم دولت نمی تواند از تاریخ تصویب این قانون رادر تمام جاها اجرا کند ممکن است تا شش ماه دیگر هم دولت صلاح ندارند آن را در بعضی نقاط اجرا کند آن وقت شرایط این ماده بکلی از بین میرود البته دولت در هر جا مناسب بداند اعلان اجرای این قانون را خواهد کرد و از آن روز تا پنج ماه مهلت خواهد داد برای اینکه اهالی و تجار آن ولایت مال التجاره خود را بیاورند مهر کنند و اگر ممکن بود دفعتاً در همه جا این قانون اجرا شود فرمایش حضرتعالی صحیح بود و این که می فرمایند در این پنج ماه اجازه کشتن دارند یا خیر؟ عرض می کنم چون دولت آن اجازه را داد البته ضمناً اجازه کشتن را هم داده است

رئیس - آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد

دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - راجع به فرمایش آقای ارباب کیخسرو بنده عرض می کنم هیچ دولتی نمی تواند يك قانونی که از مجلس گذشت بموقع اجرا نگذارد و با این قسمت هم مخالفم که می فرمایند ما باید روزش را معین کنیم که شاید دولت نخواست بموقع اجرا گذارد ما باید کاری بکنیم که وقتی يك قانونی از مجلس گذشت دولت نتواند يك دقیقه در اجرای آن تأخیر کند.

رئیس - مقصود ایشان تأخیر موقع اعلان بود

(آقای رئیسالتجار)

رئیسالتجار عقیده بنده این است که این پنج ماه را هشت ماه یا نه ماه بکنند بهتر است

رئیس آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو بنده کاملاً با آقای دولت آبادی موافقم دولت نباید این حق را داشته باشد که اجرای این قانون را بتأخیر بیندازد عرض بنده هم همین بود که این که نوشته می شود (از روز اعلان) این حق بدولت می دهد که هر وقت خواست اجرا کند و عقیده بنده این است که نباید این طور باشد باید تاریخ مشخص شود که از چه تاریخ بموقع اجرا گذارده و در قانون نمی شود تبیض نمود که در يك نقطه اجرا بشود در يك نقطه اجرا نشود باید يك تاریخی برای همه جا معین کرد حالا اگر دولت نمی تواند در ظرف پنج ماه بموقع اجرا گذارد مدت را زیادتر کند

مخبر - کمیسیون همانطور که عرض کردم تصور می کند اجرای این قانون به فوریت مشکل است و این ماده را لازم می دانید ممکن است حضرت عالی پیشنهاد بفرمائید و به ماده چهارم الحاق شود که وزیر مالیه تا فلان تاریخ مأمور اجرای این قانون خواهد بود

وزیر مالیه - باتصديق فرمایش آقای

دولت آبادی و تأیید آقای ارباب کیخسرو عرض می کنم برای اجرای قانون اعلان از همه چیز بهتر است زیرا نمی شود قبل از اینکه اهالی ملتفت بشوند يك تجدیلی بدون مقدمه بر آنها مقرر بخصوص در مملکت ما که وسایل منحصر ساختن عامه اهالی خیلی مشکل است زیرا يك قسمت از این پوستها راجع بایالات و دهاتی ها و اشخاصی که در کوهها هستند می باشد که در آن جاها روزنامه نیست اعلان نیست و نمیشود يك مرتبه بدون سابقه بروند پوست آنها را ضبط کند مجلس شورای ملی را نمی داند چیست و معنی قانون را نمی فهمند ولی امروز اعلان میشود و تا پنج ماه دیگر باو مهلت می دهند که پوستهای خودش را

تسلیم کند و مهر کند بنابراین اعلان لازم است و دولت باید بوسیله اعلان مردم را مستحضر کند ولی اجرای این ماده در همه جا در يك مدت معین شاید ممکن نباشد زیرا اعلان تنها این نخواهد بود که در روزنامه بنویسند البته در قراء و قصبات باید بوسایل دیگری اقدام کرد تا هر طبقات مردم از وضع چنین قانونی مستحضر شوند و پس از اعلان پنج ماه يك مدت کافی خواهد بود که مقدمات اجرا بعمل بیاید

رئیس - مذاکرات کافی نیست

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می می گیریم بماده

سوم تصویب می کند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم

قرائت می شود

(آقای منتصر الملك)

شرح ذیل قرائت نمودند

وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون خواهد بود

رئیس - چون راجع بماده چهارم

مذاکراتی نخواهد شد فقط راجع بپیشنهادی که شده است مذاکراتی می شود بعد اگر تصویب کردید رأی می دهند

(آقای منتصر الملك پیشنهاد می رود را

بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد می نمایم که بماده اخیر علاوه شود که وزارت مالیه مأمور است در ظرف هه ساله ایت ثیل ۱۳۰۱ این

قانون را در تمام مملکت اجرا دارد

مستشار السلطنه

رئیس - توضیح بفرمائید

مستشار السلطنه - بنده نظر آقای رئیسالتجار را مؤثر می بینم بواسطه این که

برای اجرای این قانون پنج ماه کم است و برای اینکه جمع بین نظریه آقای ارباب

کیخسرو و آقای رئیسالتجار بشود عرض می کنم از هه ساله نه ماه باقی است و در

این نه ماه دولت می تواند از برای تخت شروع کند و در ایالات و ولایات هم در ظرف این

مدت که استمهال قرار داده شده اعلان کنند که مردم پوستهای خودشان را بنظر

مأمورین دولت برسانند

رئیس - آقای امین الشریعه جرو

کمیسیون هستید

امین الشریعه - خیر

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چطور؟

حاج شیخ اسدالله - بنده هم جزو کمیسیون نیستم

رئیس - کمیسیون در پیشنهاد آقای

مستشار السلطنه چه عقیده دارد؟

طباطبائی - پیشنهاد آقای رئیسالتجار قرائت بشود بعد از مطالعه عرض می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای رئیسالتجار در ماده سوم بود و گذشت طباطبائی - کمیسیون قبول می کند، رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - ماده سوم پنج ماه مدت معین کرده است و اگر بخواهند در این پیشنهاد رأی بدهند مخالف بارای سابق است این را بمدت پنج ماه رأی داده شد در این صورت نه پیشنهاد آقای رئیسالتجار موقع دارد نه پیشنهاد آقای مستشار السلطنه و بنده تصور می کنم آقای مخبر هم قبول کنند موضوع نداشته باشد

طباطبائی - رأی بگیریید

رئیس - کمیسیون این پیشنهاد را قبول نمیکنند رأی می گیریم

مخبر - اعضاء کمیسیون صلاح نمی دانند

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد توجه می دانند

مستشار السلطنه - اجازه می فرمائید

رئیس - در نظام نامه نوشته شده پیشنهاد کنند دومرتبه حرف بزنند

مستشار السلطنه - بنده هم می خواهم

همانطور که آقای مخبر از بیاناتشان عدول کردند بنده هم پیشنهاد خود را مسترد

بدارم

رئیس - پس رأی می گیریم بماده

چهارم ترتیبش که در رایورت نوشته شده

آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات در

کلیات قانون است کسی مخالف

نیست (گفتند خیر)

رئیس - پس رأی می گیریم بکلیه

قانونیکه شامل چهار ماده است آقایانیکه

این قانون را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثریت نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جلسه آتی روز

پنجشنبه چهار ساعت بظهر مانده دستور

هم لایحه مالیات کتیرا و آنقوزه خواهد بود

آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - حالا که هیئت

دولت معرفی شده اند خوب است تاکید شود

که نماینده دولت حاضر شده بودجه هائیکه

حاضر و تمام شده مثل بودجه وزارت عدلیه

مطرح مذاکره و تصویب شود بعد هم بودجه

های دیگر یکی یکی می رسد و مطرح می شود

رئیس - این در صورتی است که وزیر

عدلیه جدید از بودجه که تمام شده مستحضر

شده باشند شاید ملاحظاتی داشته باشند خوب است این بودجه را بوزیر عدلیه ارائه دهند اگر حرفی نبود جزو دستور روز شنبه میشود (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

موتمن الملك

جلسه ۱۰۸

صورت مشروح مجلس یوم پنج

شنبه اول سرطان ۱۳۰۱ مطابق

۲۵ شوال ۱۳۴۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست

آقای موتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه سی ام

جوزارا آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت جلسه ملاحظاتی

نیست؟

آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب بنا بر فرمایش شاهزاده

محمد هاشم میرزا در این صورت مجلس قبلی

ایجاز محل واقع شده زیرا آقایانی که

در جلسه قبل اظهار داشتند منع استخدام

و کلاء برخلاف ماده سی و دوم قانون اساسی

و دلائلی ذکر گردید در صورت مجلس نوشته

شده ولی بنده که عرض کردم خلاف قانون

اساسی هست و دلائلی برای آن اظهار

داشتم ابداً دلیل شده در صورت مجلس

نوشته نشده است عرض کردم این ماده

نظر باین مسئله ندارد و مقصود این است

که اگر و کیلی از وکالت مستعفی شد و

وشغل دیگری قبول کرد دیگر نمی تواند

بمجلس برگردد مگر اینکه مجدداً از طرف

ملت انتخاب شود

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست؟

اظهاری نشد

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

معاون وزارت عدلیه - لایحه ایست

راجع بمحاضر شرع تقدیم میشود

رئیس - لایحه قانونی مالیات کتیرا

مطرح است گویا در کلیات رأی گرفته نشده

ولی آقایان مذاکرات را کافی دانسته اند

حالا باید رأی گرفته شود

داخل در شور و مواد بشویم یا خیر آقایانی

که تصویب میکنند داخل در شور و مواد بشویم

قیام فرمایند

اکثر نمایندگان قیام نمودند

رئیس - تصویب شد رایورت ثانوی

طبع و توزیع شد به آقایان هم رسیده است

(آقای منتصر الملك ماده اول را بشرح

ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - مالیات کتیرا صدی بیست

قیمت آن است به نرخ محل استخراج که مأمورین

گمرکی در حین صدور از سرحد اخذ و

دریافت می نمایند

يك نفر از نمایندگان - این نیست شور

اول هم شده است

رئیس - خطاب با آقای مدرس شمار

آن روز بریاست فرموده اید شور اول بوده

است یادوم
مدرس - گمان بنده این است که شور
دوم بوده

سهام السلطان - اجازه می فرمائید
رئیس - بفرمائید

سهام السلطان - آنروز که این
مسئله مطرح بود آقای فهیم الملک راپورت
را پس گرفتند و شور اول خاتمه پیدانکرد
گمان می کنم حالا هنوز متمم شور
اول باشد

رئیس - این راپورت ثانوی دو کلمه
است و رجوع بلاحیه اولی نموده
(راپورت ثانوی کمیسیون بهضمون
ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین مالیه در تاریخ فوق
لاحیه راجع بمالیات کثیرا را مجدداً مطرح
مذاکره قرار داده بالاخره پس از مذاقه
های لازمه راپورت سابق کمیسیون را با
تغییر صدی بیست به صدی ۵۰ بمجلس محترم
شورای ملی تقدیم می دارد

رئیس - آقای آصف المالك
(اجازه)

آصف المالك - لاحیه اولی که
دولت بمجلس پیشنهاد کرده بوده صدی
سی بوده و پس از این که در مجلس مطرح
مذاکره شد صدی بیست تخفیف یافت
و مقداری در خصوص صدیست مذاکره شد
و در نتیجه مذاکرات برگشت بکمیسیون
و اینکه در مقدمه راپورت ثانوی کمیسیون
نوشته شده است بین الشورین مقصود همین
بوده است که شور دوم شروع نشده

رئیس - پس شور اول است و همان
طور که ماده اول را قرائت کردند صحیح
است منتها باید صدی بیست به صدی پنج تبدیل
شود مجدداً قرائت میشود

(بهضمون سابق الذکر قرائت شد)
رئیس - (خطاب بآقای اقبال السلطان)
ماده اول همینطور که قرائت شد صحیح
است ؟

اقبال السلطان - بلی همینطور
صحیح است .

رئیس - رئیس کمیسیون اظهار
بفرمایند همینطور که قرائت شد صحیح
است ؟

سلطان العلماء - بنحویکه خاطر مبارک
آقایان مستحضراست در چند روز قبل این
لاحیه در مجلس مطرح مذاکره شد و لاحیه
اولیه قرائت شد دولت در لاحیه اولیه که
بکمیسیون فرستاده بودند نوشته بودند که
فلا این مالیات را صدی سی می گرفتند
و در اغلب نقاط از عماله و مزدور میگرفتند
و این مسئله اسباب زحمت اهالی شده بود
لذا کمیسیون صدی سی را به صدیست تخفیف
داد و ضمناً نرخ محل را ضمیمه آن کرد
یعنی صدی بیست از قیمتی که در محل معمول
است دریافت می شود و مقصود این بود

کرایه که تا سرحد داده میشود و آن کرایه
هم در سرحد جزو قیمت کثیرا محسوب
میشود از آن کرایه صدیست گرفته نشود گرچه
در همان موقع که این مسئله در کمیسیون
مطرح بود بعضی آقایان اعضاء کمیسیون
نظریات دیگری داشتند ولی اکثریت
کمیسیون حکومت کرده و همینطور رای داد
که راپورت آن نوشته و بمجلس تقدیم
شد و در شور اول آقایان مخالفین پاره
اظهارات فرمودند و مخبر کمیسیون سابق
قبول کرد مجدداً لاحیه بکمیسیون برگردد
این بود که مجدداً در کمیسیون مذاکرات
کافی بعمل آمد و این راپورت ثانوی بمجلس
تقدیم شد و گمان میکنم این مالیات یعنی
صد پنج چندان تعمیلی بر رها یا نباشد از
آن طرف هم برای دولت حساب کردیم
دیدیم با وجودیکه هفتصد و پنجاه هزار
تومان صادرات کثیرا است از فراز صد پنج
که از گمرک مالیات آن را می گیرند سی
و پنج هزار تومان هایدی دولت می شود و
مطابق اطلاعی که پیدا کردیم دولت در
این سه سال اخیر با وجود اینکه صد سی
می گرفته است هایداتش بیش از بیست و
سه هزار تومان نبوده است و این مسئله با
توافق نظر آقایان اعضاء کمیسیون تصویب
شد حالا حکومت آن با اکثریت مجلس
است که هر طور صلاح بدانند حکمیت کنند
رئیس - مقصود بنده این بود که این
ماده بهمین طریق که قرائت شد کمیسیون
پیشنهاد کرده است ؟

سلطان العلماء - بلی

رئیس - آقای حاج امین التجار
(اجازه)

حاج امین التجار - بنده در جلسه قبل
که اجازه خواستم از نقطه نظرم - الفت باین لاحیه
بود ولی نه اینکه اصولاً مخالف با گرفتن
مالیات کثیرا باشم بنده با گرفتن صدیست
مخالف بودم و همانطور که بعضی آقایان
مذاکره فرمودند گرفتن صد بیست سخته
و لطمه بتجارت کثیرا وارد می آورد ولی
صد پنج این طور نیست صد پنج يك مبلغ
غیر قابل مذاکره است ولی جزئی اصلاحی
لازم دارد امروز این مالیات صد سی که
دولت می گیرد از مال الاجاره محل ها و مراعاتی
است که مالکین احارمه می دهند مثلاً يك محل
یا يك مرتع رایگی از مالکین صد تومان
اجاره می دهند سی تومان از آن مال الاجاره
را دولت می برد و هفتاد تومان آنرا شخص
مالك و آن زمین باید لا اقل هزار من کثیرا
عایداتش باشد و آن هزار من کثیرا دو
هزار و پانصد تومان حد متوسط قیمتش
می باشد و اگر دولت بخواهد از آن دو هزار
و پانصد تومان صد سی مالیات بگیرد تقریباً
هفتصد هفتصد و پنجاه تومان مالیات آن
میشود در جلسه قبل آقای فهیم الملک فرمودند
عایدات کثیرا تقریباً در سال هفتصد هزار

تومان می باشد و از این مبلغ دولت بیش از
هفت هزار تومان مالیات نگرفته است ممکن
است بعضی از آقایان تصور بفرمایند که
صد سی هفتصد هزار تومان گرفته
میشود است که تقریباً دویست
یا دویست و ده هزار تومان مبلغ این مالیات
می شده است و امنای مالیه حیف و میل
کرده اند و بیش از هفت هزار تومان آن
بخزانهدولت وارد نمیشده است در صورتی
که اینطور نیست دولت از مال الاجاره مراتع
صد سی می گرفته است و وقتی درست دقت بفرمایند

دولت قبلاً صد يك می گرفته است بعضی از هفتصد
هزار تومان مالیات هفت هزار تومان مالیات می
گرفته است شاید بنظر غریب بیاید يك مالیاتی را
که دولت صد صد سی می گرفته است و بمجلس
پیشنهاد کرده است و بمجلس آنرا صد پنج تنزل
داده است باز هم در آن مخالفت شود ولی
اینطور نیست اگر ما امروز این صد پنج
را تصویب کنیم و بآن رأی بدهیم این
مالیات پنج برابر امروزه می شود زیرا تا
کنون دولت صد يك گرفته است و حالا
صد پنج می شود باین جهت بنده با گرفتن
صد پنج در مجلس مخالفم
و عقیده ام این است که این صد پنج تبدیل
به صد سه شود و به قیمت سرحدی حساب
کند و صد سه مالیات آنرا بگیرند چطور
می شود جنسی که در سرحد است قیمت
آنرا در محل معلوم کند و از روی آن قیمت
مالیات بگیرند ؟

البته اقسام کثیرا در قیمت با هم متفاوت
است حتی يك کثیرا که رویش نوشته میشود
نمره اول البته فرق دارد با کثیرای دیگری
که قدری پست تر از آن کثیرا از یکمن ده
تومان و نه تومان تا یکمن سه تومان و چهار
تومان بعلاوه در گمرک مقوم و ممیز هست
دو قیمت اجناس را معین می کند و اگر
صاحب جنس قیمت را که مقوم گمرک می معین
کرده قبول نکند خود گمرک قیمت آن
جنس را بعلاوه يك ده يك برای منافع
صاحب جنس باومی دهد و آن جنس را ضبط
میکند بهر جهت بعقیده بنده اینکه صد پنج
را برج محل بگیرند اسباب زحمت است
و تولید اشکال میکند و بعقیده بنده خوب
است آقایان هم مراقت بفرمایند همان صد
سه و بقیمتی که در سرحد تعیین میشود
مالیات گرفته شود یعنی کرایه و سایر مخارج
هم بر آن ضمیمه شود و چندان تفاوتی هم
نمیکند و البته بیش از بیست و سه یا بیست و
چهار پنج هزار تومان هم عایدات حالیه
دولت نمیشود این است عقیده بنده و پیشنهاد
هم خواهم کرد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو
موافقت ؟

ارباب کیخسرو - خیر بنده مخالفم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب چطور ؟
آقای سید یعقوب - بنده باین فرمایشی

که آقای حاج امین التجار فرمودند مخالفم
رئیس - بالا یحه چطور ؟
آقا سید یعقوب - در صورتیکه صد پنج
در گمرک گرفته شود موافقم .

رئیس - پس با لاحیه مخالفید ؟
آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - پس باید بمدایك موافق
صحبت کنید آقای دست غیب موافقت ؟

دست غیب - بلی بنده موافقم
رئیس - بفرمائید

حاج سید محمد باقر دست غیب -

اول باید دلائل طرفین یعنی موافقین و
مخالفین را ملاحظه کرد و در بین آن دلائل
آقایان قضاوت و حکومت بفرمایند

آقایانی که نافی هستند و می گویند
اصلاً نباید مالیات گرفته شود آنها يك
دلائلی دارند که بعضی از آن دلائلشان هم
هم صحیح است مثلاً یکی از دلائلشان این
است که چون مالیات حیف و میل می شود
ما را می دهیم

مستشار السلطنه - خیر همچو
نیست

دست غیب - عرض کروم اشخاصی
که نافی هستند این یکی از دلائلشان است
اگر شما این عقیده را ندارید و نافی نیستند
آن موضوعی می است علیه بنده آقایانی
را که نافی هستند عرض می کنم بهر جهت بنده
هم تصدیق می کنم که مالیاتها حیف و
میل می شود ولی این مسئله خارج از موضوع
است زیرا عایدات دولت باید وصول و از
حیف و میل هم جلوگیری شود يك دلیل
دیگر آقایان مخالفین این است که این
مالیات بیچاره عماله کثیرا بگیرد تعمیلی می
شود و لوا اینکه مستقیماً خود او مالیات نمی
دهد ولی تاجر باو تعمیل می کند یعنی
وقتی شخص تاجر این مالیات را بدهد يك
قسمت از آن

تعمیل برفقرا و آن عماله که کثیرا می گیرد
میشود .

بلی این صحیح است ولی چیز تازه
نیست زیرا کلبه افراد مردم و لوا اینکه مستقیماً
مالیات نمی دهد اما در دادن مالیات غیر مستقیم
شرکت دارند و بعلاوه دولت باید مخارجش
را از کجا تحصیل کند البته مجبور است در
مقابل مخارج از هر چیز مالیات بگیرد
جائیکه در تمام دنیا مرسوم است مثلاً در
هندوستان خود بنده سابقه دارم تجار که در
هندوستان تجارت میکنند آخر سال جمع و
خرج خود را حساب میکنند و پس از وضع
خرج يك مقدار از عایداتش را دولت می گیرد
چرا ؟

برای اینکه دولت عایدی می خواهد در
صورتیکه از این جا بگیرد از کجا باید جواب
مخارج خود را بدهد ؟

البته مجبور است در مقابل مخارج يك
قدری از کثیرا بگیرد یا قدری از زارع
قدری از تاجر تا ترتیب مملکت منظم کند

بلی بندهم تصدیق میکنم که درست مصرف
نیشود ولی درین حال درست مصرف نشدن
دلیل نمیشود که ما بگوئیم دولت عایدی نمی
خواهد بهر حال وقتی درست دقت کنیم و
مطالب را تصفیه کنیم می بینیم همین صد پنج
بهتر است زیرا این صد پنج چیزی نیست که
چندان تحصیل بزارع و عامل و مستخرج
کثیرا بشود بقول آقای حاج امین التجار
اگر من غیر مستقیم هم چیزی بر همله مستخرج
کثیرا تحصیل بشود چیزی نیست که خلاف
انصاف باشد بتجارت هم لطمه وارد نمی آید
زیرا تاجری که آنرا می خرد البته صد پنج
را هم روی آن میکشد و یک مبلغی هم نیست
که اسباب شکست مال التجاره آن تاجر
بشود به علاوه در این مدت که تمام افراد ایرانی
حتی خود تجار هم بخوبی پی برده اند نه
اینکه عایدی دولت خیلی کم است و مخارجش
بیش از عایداتش می باشد گمان میکنم اگر
صد پنج هم بیشتر قرار بدهند حرفی نداشته
باشند ولی نظر باینکه صرف تجار هم تا
اندازه حسابی است و میگویند اگر بیش از
این مالیات قرار دهند اسباب نکس تجارت
از خارجه میشود پس خوب است همان صد پنج
که نکسی هم بتجارت وارد نمی آورد گرفته
شود که هم رضایت دولت و هم رضایت تجار
فراهم آمده باشد و بنده یک دلیل بزرگتر از
این دارم که به صد سی و صد بیست عقیده ندارم و
معتقدم همین صد پنج باشد و آن این است که
چون بنده بافکار عامه خیلی اهمیت می دهم
(جمعی اظهار داشتند همه
اهمیت می دهند)

دست غیب - خیلی متشکرم البته
نباید هم خیلی اهمیت داد بنده قانون را غیر از
افکار عامه نمی دانم اگر قانونی وضع شود
که مخالف با افکار عامه باشد باید آن قانون
را نسخ کرد چرا که افکار عامه برخلاف
آن است حالا هم چون تجار بر خلاف صد
سی و صد بیست هستند باین واسطه بنده صد
بیست و صد سی معتقد نیستم ولی از آن
طرف هم نمی توان گفت که تجار هیچ ندانند
و چون خود آنها هم صد پنج معتقدند (و
صلاح هم همین است که تجار فهمیده اند) برای
اینکه این فکر خودشان را در دماغ بعضی از
عوام و ساده لوح ها ترزیق بکنند و برای
اینکه ما هم نکوئیم لطمه بتجارت وارد می
آورد از این جهت بنده عرض میکنم صد پنج
بتجار صدمه نمی زند و یک عایدی هم برای
دولت درست میشود و لو اینکه عایدی صحیحی
نیست و دولت باین قبیل عوائد خرجش نمی
گذرد ولی یک زمینه عایدی برای دولت بدست
می آید و به تجارت هم لطمه وارد نمی آید
و آنطوریکه آقای امین التجار فرمودند این
طور هم نیست که صد بیست گرفته شود و حیف
و میل هم نشود و بآن کفرا گیر هم صدمه
وارد آورد در هر صورت این صد پنج خیلی
خوب و اسباب رنایت مردم است و برای

تاجر و دولت و عموم مردم خوب است و وقتی
که می خواهد آقایان قضاوت بکنند ترتیب
قضاوت کردن این است و اینکه فرمودند
صد پنج را که از قیمت محل در گمرک
بگیرند اسباب زحمت برای تاجر است خبر
اینطور نیست زیرا تاجر کثیرا کثیرا ما را
درجه درجه معین میکند و همانطور هم
قیمتش را می نویسند مثلا کثیرا یک که از
شیراز بیوشهر حمل میشود نمره بنمره می
نمایند قیمتش را می نویسند نمره اعلی قیمتش
چند وسط قیمتش چقدر و بست تر قیمتش
چند و اگر رضایت تاجری باشد که قیمت های
آنها را درست ننویسد البته یک مقومی
آنجا هست که آنرا قیمت کنند و اگر یک چیز
خیلی در هم و بر همی هم باشد ما باین کثیرا
خوب و کثیرا یک بدیک قیمت معینی می
گذارند و برای جمع آن یک قیمت معین
میکند ولی اگر بنا شود در سرحد قیمت
آنرا معین کند عقیده بنده این است که اسباب
زحمت برای کثیرا فروش و برای عمله که
باید او را راحت گذاشت می شود چرا
برای اینکه تاجر ناچار است کثیرا را
از او ارزان بخرد و با اینکه بنده
خدمت آقایان تجار ارادت دارم ناچار تجار
به بهانه اینکه کار من در سرحد گیر می کند
خواهد گفت تو باید از زبان تربت و فروشی
این بهانه را هم باید نسبت بآن عمله کدر
آفتاب گرم زحمت میکشد و کار میکند
ملاحظه نموده از این جهت عقیده بنده این
است که در همان سرحد از روی قیمت محل
نرخ عادلانه خرید تاجر معین کند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - اینجا بکتر نیی
بیش آمده است که بعضی از آقایان نمایندگان
در ضمن مذاکراتشان یک اظهاراتی میفرمایند
و می خواهند آن مطالب را بخودشان اختصاص
بدهند و سایر نمایندگان را مخالف قرار
دهند مثلا آقای دست غیب بودند که
فرمودند من بافکار عامه اهمیت میدهم بنده
عرض میکنم همه ما از طرف عامه هستیم و
همه بافکار عامه اهمیت می دهم و عاید عامه
را مقدس می دانیم خوب است آقایان این
طور الفاظ را اختصاص بخودشان بدهند
که اسباب توهین نسبت بدیگران می شود
و اما راجع بمخالفت بنده چنانچه در جلسه
گذشته عرض کردم امروز خوشبختانه موقع
عمل است که ما نظرم را بمسئله تجارت
توسعه بدهیم و امیدواریم موفقیت هم حاصل
شود در یکی از جلسات قبل در موقعی که
راجع بکثیرا آنجا مذاکره می شد یکی
از نمایندگان فرمودند هر مالیاتی بخواهید
وضع کنند نسبت به آن اظهار مخالفت
می شود در صورتیکه این طور نیست و بنده
عقیده دارم هر مالیات مشروعی اینجا وضع
شود یعنی پس از آنکه ما دانستیم بچه
مصرف میرسد با کمال شوق و میل تصویب

خواهیم نمود و موکلین ما هم با کمال میل و
رضایت در صورتی که بدانند مصرف آبادی
و استقلال مملکت میرسد خواهند پرداخت
و هیچکس هم مخالف وضع مالیات نیست
ولی بنده که یکی از مخالفین هستم مخالف
تحمیل مالیات بر صادرات می باشم و اگر
برای دولت ممکن بود بایستی مقداری هم
از خودش بتجار مساعدت می کرد تا مال
التجاره ایران در تمام دنیا رواج بگیرد
و بخودی خود بر ثروت مملکت بیفزاید
وضع مالیات برای مصلحت مملکت است
آیا صلاح مملکت ما است که تحمیلی
بر صادرات میکنم ؟ بعقیده بنده خبر باید
صادرات را آزاد گذاشت برای این که
بر ثروت عمومی افزوده شود و دولت که نماینده
ملت است از همان ملت و ثروت ملت استفاده
کند اینجا همیشه از فقر عمومی و بیچارگی
دولت و ملت مذاکره می شود البته نباید
فراموش کنیم که این ها همه نتیجه همان
صدماتی است که در زمان استبداد بملت
وارد آورده اند و بالتبقیه دولت را فقیر
کرده اند

آقای رئیس محترم مجلس در چند
جلسه قبل در ضمن نطق خودشان فرمودند
فرق بین مشروطه و استبداد آن است که
دولت استبدادی عقیده اش این است از هر
مهر که می توانند از ملت دخل کند ولی
مشروطه برخلاف این است و صلاح ملت را
در نظر می گیرد باید ملت در تجارت دارای
آزادی باشد و دولت از طریق مشروع از
او استفاده کند از جمله فرمودند راجع
براه می شود می گویند مالیات می گیرید بنده
نگفتم مالیات گرفته نشود عرض کردم
وقتی راه درست هست نباید مالیات آنرا
اضافه نمود و اگر آقایان آنروز به بنده
فرصت می دادند که حساب آن را درست برای
آقایان به نمایم آنوقت خدمت آقایان عرض
میکردم که در مقابل آن پنجاه هزار
تومانی که دولت خرج این راه کرده است
علاوه بر مخارج راه اگر درست اداره میشد
فرع آن پنجاه هزار تومان عاید دولت
می شد و باز اضافه عایدی داشت عرض ما
این بود که مالیات گرفته شود ولی تحمیل
زیادی بر ملت نشود بنابراین بنده بکلی
مخالفم با هر گونه مالیاتی که بر صادرات
وضع شود ما باید در این قبیل امور یا
خودمان مخترع باشیم یا باید مقلد دیگران
باشیم ما وقتی می خواهیم دخل و خرج خودمان
را در دست بگیریم و قانون برای آن وضع
کنیم باید به بینم دیگران چه کرده اند و
کدام راه نجات را پیموده اند راه نجات عموم
ملت زیاد کردن صادرات است و همیشه
ملت دنیا از راه صادرات توانسته اند تهیه
ثروت نمایند پس خوب است ما هم صادراتمان
را آزاد می گذاریم تا هر چه هست و ملت هر

چه می تواند آن امتعه را بیرون ببرد و در
هوس برای ما طلا وارد کند و اگر طلا هم
نمی تواند وارد کند افلا از طلائی که از
این مملکت خارج می شود جلو گیری نماید
لا یمنع گفته می شود تجار دخل میبرند و
چه وجه می کنند تجار چه کرده اند ؟ تمول
تجار این مملکت کدام است ؟ تمول تجار این
مملکت را از روی هم بگذارند مطابق
یکی از تجار معتبر خارجه نخواهد بود این
ها همه بواسطه تضیقاتی است که از سابق
مرسوم شده است بنده عقیده دارم در عرض
اینکه ما این تضیقات را فراهم آوریم که
بیست هزار تومان یا سی هزار تومان یا
چهل هزار تومان عاید دولت شود بملت
بگوئیم هر قدر می تواند ملیونها و کروها
کثیرا خارج کند و در عرض ملیونها پول
وارد این مملکت بنمایند آنوقت دولت از
واردات مالیات بگیرد و از ثروت عمومی
در مواقع لازمه استفاده کند دیگر اینکه
هنوان نمودند از قیمت محل اخذ میشود
بنده هیچ نفهمیدم در این پیشنهادی که
از طرف کمسیون شده است که جاز کر محل
شده ؟

در این راپورت کمسیون تکیه به
راپورت سابق نموده و در راپورت سابق
هم معین کرده بودند در سرحدات بگیرند
نه این که در محل بگیرند این یک اشتباهی
است که باید رفع شود آقای دست
غیب فرمودند عقیده بعضی از مخالفین این
بوده است که چون این مالیات حیف و
میل می شود از این جهت ما مخالف این
مالیات هستیم بنده که یکی از مخالفین هستم
همچو نظری نداشتم و تصور نمیکند سایرین
هم این نظر را داشته باشند عقیده ما این
است که بر صادرات مملکت هیچگونه
تحمیلی نباید بشود تا صادرات آزاد باشد
و هر گونه بتوانیم استفاده کنیم

حاج سید محمد باقر دست

غیب - اجازه میفرمایید توضیح بدهم ؟
رئیس - بفرمائید

حاج سید محمد باقر - آقای

ارباب فرمودند که بنده عرض کردم بافکار
عامه اهمیت می دهم نسبت بسایر آقایان
توهین شده که نظر بافکار عمومی نکرده اند
بنده همچو عرضی نکردم و بنده شخصا و
البته همه آقایان بافکار عمومی اهمیت
می دهند و اگر کلمه البته همه آقایان را
عرض نکردم فراموش کردم معذرت اثبات
شیئی نفی ما عدا نمی کند عرض کردم بنده
شخصا بافکار عمومی اهمیت می دهم این
دلیل نمی شود که سایر آقایان اهمیت
نمی دهند و اینکه فرمودند کسی نگفته
است بواسطه حیف و میل شدن عایدات
مخالف وضع مالیات است خود بنده از نافی
ها این کلمه را شنیدم . مابقی دلائل مراهم
که رد نکردند

رئیس — آقای محقق العلماء
موافقت ؟
محقق العلماء - مخالف
رئیس — آقای میرزا سید حسن
موافقت ؟
آقا میرزا سید حسن - بلی
رئیس — آقای دولت آبادی
موافقت ؟
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - خیر موافقت
رئیس - بفرمائید
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی — آقای ارباب فرمودند معتقد هستند بر صادرات مالیات وضع بشود اولاً ما باید مابین مالیات و گمرک فرق بگذاریم البته يك مالیات هائی ممکن است در مملکت باشد ولی از راه گمرک و از طریق گمرک چیزی گرفته نشود مثلاً از گندم و جو و برنج و سایر خشک بارها بعنوان مالیات گمرک چیزی گرفته نمی شود در صورتی که بر همین گندم چون محل احتیاج عمومی است يك مقداری مالیات وضع کرده اند بعنوان گمرک هم از آن گرفته می شود تا کمتر از مملکت خارج شود فرق است بین مال التجاره که محل احتیاج عموم است و مال التجاره که باید خارج شود و پول بیاورد و اگر بر گندم و جو که محل احتیاج عمومی است مالیات و گمرک بر آن وضع شود که کمتر صادر شود بهتر از این است که بکلی آزاد باشد و اسباب قحطی برای مردم بشود پس ما نمیتوانیم بگوئیم بر کلیه صادرات نباید مالیات وضع کرد بعضی چیز هائی که محل احتیاج عموم است بایستی بر آنها مالیات وضع کرد که کمتر از مملکت خارج نماید و اما اینکه فرمودند بعضی صدینچ در سرحد صدقه بگیریم بنده درست ملتفت نشدم چطور قیمت سرحد را تشخیص می دهند قیمت سرحد معادل باقیمت محل است بضمیمه خرج و کرایه پس باید اول قیمت محل معلوم شود بعد کرایه بر آن اضافه شود و آنوقت معلوم می شود قیمت سرحد چقدر است وقتی همان کرایه را از قیمت سرحد کسر کنیم قیمت محل معلوم میشود پس این يك گمرک نیست بلکه این مالیاتی است که در محل گرفته میشود و حالا ما عقیده داریم آن را در سرحد بگیرند و تعذبات و تجاوزاتی بصاحبان کثیران شود و مرتب و منظم هم باشد حتی اینکه مذاکره هم شد که در خود محل بگیرند و اداره مالیات جواز بدهد که در سرحد چیزی از آن نگیرند اما این مسئله در کمیسیون مورد قبول واقع نشد و بنده هم عقیده ام این است همانطوریکه نوشته شده است صدینچ از قیمت محل مطابق بارنامه های تجارتی که معمول است گرفته شود و صدقه را که آقای حاج امین التجاره عقیده داشتند از قیمت سرحد

دریافت نمایند چون سرحد نه محل فروش و نه محل خرید سرحد يك جانی نیست که مال التجاره در آنجا يك قیمت معینی داشته باشد باین جهت اسباب زحمت تجار خواهد شد
رئیس — آقای آسید یعقوب -
(اجازه)
آقا سید یعقوب — بنده بعضی یاد داشت ها کرده ام که باید جواب عرض کنم اولاً آقای ارباب کیخسرو فرمودند تعمیل بر صادرات می شود در صورتیکه هیچ يك از آقایان عقیده ندارند تعمیلی بر صادرات بشود و جوابشان همان بود که آقای دولت آبادی فرمودند یکی از نمایندگان دو موافق پشت سر هم نمی توانند اظهار عقیده نمایند
آقا سید یعقوب — پس برای چه بنده اجازه داده اند
رئیس - مخالف هستید ؟
آقا سید یعقوب - بلی بنده با عقیده آقای دولت آبادی و آقای ارباب کیخسرو و آقای حاج امین التجاره مخالفم بارابورت کمیسیون هم مخالفم و پیشنهاد هم همان است که عرض کردم آقا می فرمایند صدقه بگیرند و بنده می گویم باید صدینچ بگیرند بنده می گویم از قیمت سرحد بگیرند آقای فرمایند از قیمت محل استخراج بگیرند پس ما هر سه آقایان مخالفم اولاً جواب آقای ارباب کیخسرو این را ما بر صادرات تعمیل نمیکنیم دولت بتوسط امنای مالیات از کثیرا يك مالیاتی در محل اخذ میکرد ما گفتیم این مالیات در يك محل معینی اخذ شود و آن طوری که امنای می گرفتند می باشند بنده مخالفم بکلی وقتی در حکمران شاه بودم گاهی تمام کثیرا تاجر بیچاره را برای مالیات ضبط میکردند پس اگر این مالیات را در گمرک بگیرند بهتر است و تعمیل بر صادرات هم نیست بلی اگر مملکت مایک ثروتی داشت که در مقابل آن ثروت می توانستیم مالیاتی وضع کنیم می گفتیم هر چیزی از مملکت خارج می شود مالیات نداشته باشد ولی آقایان می دانند که مملکت خرج دارد و ترتیبی هم که بتوانیم مالیات عمومی وضع کنیم هنوز پیدا نشده است بعلاوه تجارت ما که صنعت نیست یعنی مبادلات ما با ممالک دیگر بلکه مال التجاره ما مواد خام است یعنی ما کارخانجاتی نداریم که صنایع خودمان را بدیگران بفروشیم باید زراعت و اقامت و احشام خودمان را که در واقع همان مواد خام است بفروشیم و اگر بخواهیم در موقع خروج آنها از سرحد مالیات بگیریم یک دفعه باید بگوئیم از پنج يك آنها مالیات نگرفت و در نتیجه تمام چرخها از کار خواهد افتاد پس ما نمی توانیم در تحت این این عنوان که تعمیل بر صادرات است این مالیات را بکلی لغو کنیم اما اینکه آقای دولت آبادی می فرمایند از قیمت محل اخذ شود اگر درست ملاحظه فرمایند

خواهند بود که این مبلغ چندان قابل نیست و اسباب بدنامی برای دولت خواهد بود بجهت اینکه اگر ما می خواهیم صدینچ را از قیمت محل استخراج اخذ کنیم تجار بقدری مخارج برای او درست می کنند که گمرک راهم مقروض خواهند نمود و پس از وضع مخارج باید يك صدینچ هم دستی بآنها بدهد پس این مبلغ را از قیمت محل بخواهیم بگیریم ابداً نفی برای دولت نخواهد داشت لذا بنده باین ترتیب مخالفم و آن صدقه را هم که آقای حاج امین التجاره فرمودند همینطور اسباب بدنامی است و بنده با آنهم مخالفم و عقیده بنده این است همانطور که پیشنهاد صدینچ از قیمت سرحد خوب است و عیبی ندارد
رئیس — آقای عماد السلطنه خراسانی
موافقت ؟
عماد السلطنه - بنده بالا بجهت مخالفم
رئیس — آقای مستشار السلطنه
چطور ؟
مستشار السلطنه - بنده هم مخالفم
رئیس — آقای حاج میرزا مرتضی
چطور ؟
حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم
رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله
حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهادی کرده ام
رئیس — آقای عماد السلطنه طباطبائی
موافقت ؟
عماد السلطنه طباطبائی - بلی مخالفم
رئیس آقای آقا سید فاضل
آقا سید فاضل - بنده هم مخالفم
رئیس — آقای محمد هاشم میرزا
چطور ؟
محمد هاشم میرزا - بنده هم مخالفم
رئیس — آقای رئیس التجار و آقای
کارزونی هم مخالفند ؟
کارزونی — بلی مخالفم
رئیس آقای سلطان العلماء
سلطان العلماء — فعلاً عرضی ندارم
رئیس — آقای دست غیب
(اجازه)
حاج سید محمد باقر دست غیب
فرمایشاتی که آقای ارباب کیخسرو در در عریض بنده فرمودند اولاً عریض بنده را از روی منطق و برهان رد نکردند فقط دلیلشان این بود که چون کثیرا جزء صادرات است لذا نباید مالیاتی بر آن وضع کرد برای این که باید صادرات مملکت زیاد شود و مخالفت ایشان از این راه بود که خیال می کردند اگر گمرک بر صادرات بسته شود صادرات مملکت رو به نقصان خواهد گذارد و رفته رفته کم می شود بنده این جا دو عرض دارم اولاً عرض می کنم اگر بنا شود پنجو عموم از کلیه صادرات مالیات

گرفته نشود البته تصدیق می فرمایند که بر عایدات دولت ضرر وارد خواهد آمد گذشته از این اساساً میزان صدینچ يك مقدار مهم و فوق العاده نیست که از اخذ آن لطمه بزرگی با اساس تجارت ما وارد آید بلی اگر صدینچ یا صدسی بود قابل مذاکره بود ولی این مقدار صدینچ مهمی نیست و گرفتن آن سبب نه چیز با اساس تجارت دارد می آورد و نه بکثیرا گیر ضرری وارد می شود از آقایان تجار غیر از آقای ارباب ممکن است سؤال کنیم که آیا این صدینچی که تاجر در بوشهر یا بندر دیگر به عنوان خروج کثیرا از سرحد می دهد آیا صدقه بر صادرات عمومی مملکت وارد می آورد یا خیر ؟ و عقیده بنده این است لطمه و صدقه وارد نمی آورد
رئیس — آقای محقق العلماء
محقق العلماء — بنده مخالفم
رئیس بفرمائید
محقق العلماء — اولاً عرض می کنم مالیات بستن بر کثیرا از طرف دولت ربطی بتجارت و تجارتخانه ندارد از املاک خاصه و املاک دیگر که کثیرا می گرفتند دولت از بعضی ایالات و ولایات وضع مالیاتی بود کما اینکه چندی قبل يك شرح مفصلی از تجار فارس رسیده بود که اگر بنا باشد دولت این مالیات را بگیرد و دستگاه صندلی و میز و رئیس و منشی و ثبات و غیره تدارک کنند و سیصد تومان در عرض ماه خرج کند و قهراً صد و پنجاه تومان دریافت نماید فایده ندارد و باید فکری کرد که در یکجائی يك ترتیب مرتبی این وجه را گرفت که ضرری هم بدولت نرسد این بود که چون دیدند کثیرا در ایران مصرف ندارد و بخارجه بیشتر می رود از این جهت لازم دانستند در سرحد یک چیزی بگیرند که نه ضرر دولت شود و نه اسباب زحمت مردم فراهم آید این بود که این تدارکات دیده شد اساساً عرض می کنم مسئله تجارت و تجارتخانه تعمیل بر صادرات در کار نیست همانطور که آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی و آقا سید یعقوب اشاره کردند اگر بنا شود صدینچ نگیرند آن هم از قیمت محل این يك معظوراتی دارد و اسباب زحمت دولت می شود بلکه اعتقاد بنده این است که برای ملاحظه حال دولت باید از صدینچ هم زیاده گرفته شود زیرا دولت باید از مردم و بنده جناب عالی و غیره بیرون بیاورد و خرج مملکت بکند چنانچه صاحت خانه باید از اهل خانه بیرون بیاورد و بمصرف خانه برساند ولی حالا که آقایان این طور می فرمایند عقیده بنده این است همین صدینچ را از قیمت سرحد دریافت نمایند
رئیس — آقای دست غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب

بالاخره معلوم نشد آقا محقق العلماء موافق بودند یا مخالف

محقق العلماء - یا قیمت محل مخالف بودم.

دست غیب - ولی از اصل گرفتن صد پنج موافق بودند به علاوه آقای محقق - العلماء کلمه فرمودند که چنانچه عرض می کنم آن کلمه کاملاً فرمایش آقای ارباب را تنفیذ کرد ایشان فرمودند تجار شیراز اظهار کرده اند که دولت برای گرفتن مالیات سیصد تومان خرج می کند و صد و پنجاه تومان وصول می کند پس دولت از این محل استفاده نمی کند و باید عواید در محل جمع شود و آن محل هم گمرک است این فرمایش ایشان مثل این بود که تجار حاضرند یک گمرکی بدهند و تقریباً تصدیق کرده اند گمرک گرفتن از کتیرا ضرری بصادرات مملکت وارد نمی آورد والا اگر تجار رضایت نداشتند می گفتند اساساً این مسئله لطمه و ضرر بزرگی بصادرات مملکت وارد می آورد یک قسمت بزرگ از محل کتیرا فارس است و کتیرا گیر در آن صفات خیلی زیاد است و مسئله خرید و فروش کتیرا در فارس یکی از تجارت مهمه است و خود تجار فارس می گویند ما حاضریم یک چیزی بعنوان گمرک بدولت بدهیم و آن چیزی که هم خود تجار می خواهند بدهند معلوم نیست کمتر از صد پنج بدهند پس در این صورت خود تجار هم حاضرند گمان نمی کنم مذاکره لازم باشد و خوب است آقایان هم تصدیق فرمایند

رئیس - آقا میرزا سید حسن کاشانی

(اجازه)

آقای میرزا سید حسن کاشانی -

بنده با پیشنهاد آقای امین التجار موافقم ولی با اصل لایحه مخالف

طباطبائی مختبر کمیسیون -

البته معلوم است کمیسیون پیشنهاد کننده این لایحه نیست دولت لوائح قانونی را به مجلس می فرستد و مجلس هم چند نفر از اعضاء خودش را معین می کنند که در اطراف آن مسئله تحقیقات کاملی بکنند و در آن نظریاتی اتخاذ کنند و بعد بمجلس بیاورند برای اینکه دایره اطلاعات مجلس زیادتر شده و با تعمق بتوانند به آن لایحه قانونی رای دهد در این صورت اگر کمیسیون یک رأی می دهد یا مختبر کمیسویی یک دفاع می کند یک نظر خصوصی در کار نیست زیرا یک لایحه در کمیسیون گذشته و مختبر مجبور است عقیده کمیسیون را دفاع کند اعم از اینکه مجلس نظر موافق داشته باشد یا نظر مخالف گاه ممکن است در

خود کمیسیون هم اعضائی باشند که با نظریه اکثریت اعضاء کمیسیون مخالف باشند ولی مختبر همیشه نظراً اکثریت را دفاع می کند بعضی از آقایان می فرمایند مخالف با هر گونه تعمیلی بر صادرات هستند اگر آقایان ماده سوم و ماده اول را بپورت کمیسیون را مطالعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که در ماده اول نه لفظ مالیات اسم برده می شود و ماده سوم هم صاحبان کتیرا آزاد می گذارند که در محل با منای مالی و مأمورین دولتی بپردازند و جواز بگیرند که از سرحد چیزی از آنها مطالبه نشود در این صورت کاملاً معلوم است این چیزی که گرفته می شود مالیات است نه گمرک زیرا اگر گمرک بود صاحب کتیرا در محل نمی توانست بدهد و جواز بگیرد پس معلوم می شود این مالیات است و بطوری که بعضی از آقایان که در جلسه قبل اظهار کردند و حقاً هم همین طور است اگر بخواهیم در محل نگیریم تولید اشکال و زحمت مردم خواهد شد زیرا یک ترتیبی لازم خواهد آمد و محتاج به تفتیش و جلوگیری از قاچاق و غیره خواهد شد و بهزاران اشکالات و موانع دیگر بر خواهیم خورد این بود که در کمیسیون تأمل و مذاکره شد و بالاخره دیدیم بهتر است این مالیات را در سرحد بگیرند تا اشکالاتش کمتر شود به علاوه اگر بنا باشد در جاهای مختلف گرفته شود مسلماً مخارج دولت خیلی زیاد خواهد شد و چیزی عاید دولت نمی شود اما اگر در چند نقطه سرحد گرفته شود البته مخارجش کمتر و عایدی دولت هم زیاد تر است از این جهت کمیسیون تصویب کرد این مالیات را در سرحد بگیرند و واسطه وصول آنهم گمرک باشد که بعد اداره مالیات تحویل دهد حتی در اداره گمرک جزء عایدات گمرکی هم ضبط نخواهد شد بنا بر این عنوان گمرکی ندارد و با اشکالاتی هم تصادف نخواهد کرد زیرا مالیاتی است که در سرحد گرفته می شود و باید دانست که کمیسیون هم یک جزئی از مجلس است و تمام نظریاتی که ممکن است در مجلس پیدا بشود در کمیسیون هم وجود دارد و وقتی در یک لایحه مذاکره می شود تمام این نظریات مخالف و موافق گفته می شود و تحقیقات می شود بالاخره در مجموع تمام این نظریات مختلفه یک نظریه متفق علیه تقریباً پیدا می شود در کمیسیون هم تمام این مذاکرات شد و در نتیجه بالاخره کمیسیون اینطور تصور کرد که صدسی تبدیل به صد پنج شود و صد پنج بلکه به صد و هشتاد و پنج به تجارت کتیرا لطمه وارد نمی آورد زیرا قیمت کتیرا بقدری بالاست است مخصوصاً کتیرای خوب در سرحد با اختلاف موافق ممکن است بخرواری چهار صد و پانصد تومان هم برسد

محمد هاشم میرزا - هفتصد

تومان هفتصد - دیگر بهتر در این صورت اگر قیمت سرحد بالغ به هفتصد تومان باشد قیمت محل کمتر از چهار صد و پانصد تومان نیست و اگر صاحب کتیرا از هفتصد تومان و هشتصد تومان مطابق رأی کمیسیون فرضا بیست تومان بدولت بپردازد گمان می کنم یک تعمیلی نخواهد بود و سکنه هم بآن متاع و تجارت وارد نخواهد آمد اما اینکه یکی از آقایان مخالفین فرمودند چون این متاع در سرحد خارج شود و بخارج می رود و بفروش میرسد باین جهت نباید مالیاتی بر آن وضع نمود جواب را آقا کاملاً دادند اغلب چیزهایی که از این مملکت خارج می شود مالیات مستقیم و غیر مستقیم بر آنها تعلق می گیرد از قبیل برنج روغن و گوسفند هم مالیات مستقیم دارند و میپردازند همینطور چیزهای دیگر را هم که از این مملکت خارج می شود نمی شود گفت هیچ مالیاتی بر آن تعلق نگیرد آقای ارباب شرحی از تعدیات فرمودند البته بنده هم تصدیق می کنم در این مملکت سالها است این تعدیات بوده و البته باید تدریجاً جلوگیری نمود ولی تصویب صد پنج مالیات کتیرا که سابقاً هم چندین برابر آن می گرفته اند و انواع تعدیات را هم می کردند این ترتیب آن تعدیات را زیاد نمی کند بلکه بر مراتب کمتری کند و مردم مخصوصاً بآن طبقه که همیشه سعی داریم بآن تعدی نشود یعنی آن عملجانی که متصدی گرفتن کتیرا هستند دیگر اجاعاف و ظلمی نمی شود زیرا مالیات در دست سوم از تاجر گرفته می شود و به عقیده بنده با تصویب این لایحه دیگر جای هیچ نوع تعدی باقی نمی ماند ولی برعکس وقتی که این لایحه بمجلس پیشنهاد نشده بود تعدیات می شد اگر این لایحه تصویب شود گمان می کنم جلوه همه آن تعدیات گرفته خواهد شد در هر صورت ملاحظه فرمائید که روز بروز مصارف و مخارج دولت زیاد می شود و بنا بر اینکه مجلس مصمم بود تا حدی که ممکن است به هیچ گونه استقراضی مبادرت ننماید و بهیچ نوع فرضه خارجی رأی ندهد معذرت فرمودید در یکی دومورد بواسطه نبودن پول و کثرت مخارج مجبور بگرفتن یک مساعده هائی شد این برای این است که دولت محتاج بیول بود و تا محل هم نباشد از مردم نمی توانیم چیزی بگیریم اگر فرض نکنیم پول نداریم و اگر هم بخواهیم فرض بکنیم باز محل برای آن لازم است روز بروز هم هر چه پیش میرویم مخارج مملکت رو باز زیاد می رود چنانچه می بینید هر روز لواهی بمجلس می آید و تقاضای پول می شود مخارج قشون و مخارج فوق العاده و متفرقه پیدا می شود و دولت هم همه روزه بمجلس پیشنهاد میکند دیگر اینکه شما هر چه بخواهید مالیات وضع کنید و در دست اول آن مالیات را

بگیرید تحمیل بر فقرا و بیچارگان می شود زیرا در دفعه اول از دست فقرا بیرون می آید مثل گندم و جو که ما از آن مالیات میگیریم پس ما باید سعی کنیم مالیات طوری وضع شود که بقدر امکان بر فقرا و زارعین کمتر تحمیل شود و بهمین جهت هم هست که مالیات های غیر مستقیم زودتر تصویب می شود زیرا مالیات غیر مستقیم بیشتر بر غیر فقرا تحمیل می شود پس بالاخره ما مجبور هستیم از آنچه داریم مالیات بگیریم و یکی از چیزهایی که ما داریم و خارجه بآن محتاج است و در آنجا خوب بفروش میرسد کتیرا است زیرا رقیب کم دارد یا هیچ ندارد و اگر ما مالیاتی بر آن وضع کنیم هیچ لطمه بصادرات ما وارد نمی آید و هیچگونه تعمیلی هم بر عملجانی که آنرا استخراج می کنند وارد نخواهد شد بلکه یک زمینه عایدی برای دولت درست می کنیم که روز بروز زیاد خواهد شد و ممکن است در ظرف چند سال یک مبلغ معتناهی برسد و چنانچه عرض کردم تصویب این قانون هم جلوگیری از تعدیات خواهد نمود و هم عملاً آزاد خواهد شد و وقتی آزاد شد بیشتر و بهتر کار می کند روز بروز مقدار صدور این متاع بخارج زیاد خواهد شد در سرحد هم اگر چیزی بگیرند مانع استخراج آن نخواهد بود بالعکس اگر از محل بگیریم ممکن است مانع استخراج بشود و بنده گمان می کنم تا چند سال دیگر که راههای تجارتی باز شود و تجارت رواج پیدا کند بتواند یک محل عایدی معتناهی برای دولت بشود بالاخره بنده اینطور تصور می کنم که مخالفت آقایان از نقطه نظر پیشنهاداتی است که دادند مثلاً عقیده بعضی آقایان این است که صد پنج از قیمت محل گرفته شود و بعضی دیگر عقیده دارند از صد پنج قدری کمتر شود و در عوض قیمت سرحد را معین کنیم برای اینکه آن کسر با علاوه که در سرحد گرفته می شود تکافو پیدا کند و بالاخره بنده می بینم عقیده اکثریت این است که در سرحد گرفته شود حالا از صد سه و صد پنج اختلاف باقی می ماند بنا بر این عقیده بنده این است که هر چه در این خصوص مذاکره کنیم ائتلاف وقت مجلس می شود اگر آقایان اجازه بدهند پیشنهادات قرائت شود و بکمیسیون برود بعد آقایان پیشنهاد دهند گمان هم ممکن است در کمیسیون تشریف بیاورند و با موافقت نظر آقایان یک تصمیمی بگیریم که با موافقت مجلس تصویب شود و بیش از این وقت آقایان تلف نشود

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند ؟

بعضی گفتند کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود (آقای منتصر الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم که لفظ قیمت کتیرا در محل برداشته شده فقط نوشته شود کلیه کتیرا در محل کمرک بقیمت در کمرک خانه صدی پنج دریافت دارند (تقی طباطبائی نائینی)

بنده پیشنهاد می کنم صدی پنج مالیات در سرحد بقیمت همان سرحد گرفته شود (شیخ اسدالله محلاتی)

پیشنهاد می کنم که صدی پنج را در کمرک سرحد می گیرند بقیمت سرحد برده باشد نه قیمت محل (امین الشریعه)

در موضوع مالیات کتیرا این بنده پیشنهاد میکنم که صدی پنج در موقع صدور از سرحد دریافت شود (عماد السلطنه خراسانی)

بنده پیشنهاد می کنم صدی پنج از کتیرا بقیمت محل کمرک گرفته شود

(سید فاضل کاشانی)

پیشنهاد می کنم هیچگونه مالیاتی در تحت هیچ عنوان از کتیرا و انقوزه و قلیات اعم از محل یا موقع صدور از مملکت مطالبه و اخذ نشود

(ارباب کیخسرو - میرزا علی کازرانی)

بنده پیشنهاد می کنم مالیات کتیرا را صدی سه در سرحد و بقیمت سرحد دریافت دارند (امین التجار)

چون هیچ دلیلی نیست که فرق میان کتیرا و انقوزه و قلیات گذاشته شود و کم بودن قلیات و انقوزه دلیل نیست و در صورتی که در کمرک گرفته شود و برای اخذ مالیات از آنها خرج و ماموری علیحدہ لازم نخواهد شد لذا بنده پیشنهاد می کنم موافق لایحه دولت آنچه اخذ می شود شامل این دو ماده هم بشود (ابراهیم زنجانی)

پیشنهاد می کنم ماده اول اینطور نوشته شود

ماده اول - مالیات کتیرا صدی پنج قیمت آن است نرخ سرحد که مامورین کمرکی در حین صدور از سرحد دریافت می نمایند (یعقوب الموسوی حسین صدرائی - ابراهیم قی - سید محمد تدین - نصرالله شیبانی)

پیشنهاد می کنیم که بقیمت سرحد گرفته شود (مدرس) بنده پیشنهاد می کنم ماده اینطور اصلاح شود در کمرک صدی پنج از قسمت سرحد دریافت شود ولی اگر صاحبان کتیرا خواستند در محل با امنای مالیه تأدیه نمایند مختار خواهد بود در این صورت جوازی امنای مالیه داده دیگر مطالبه نخواهند نمود (محمد هاشم میرزا)

رئیس - پیشنهادات به کمیسیون ارسال می شود ماده دوم مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)

مالیات و عوارضی که تاکنون از مواد کتیرا و انقوزه و قلیات دریافت میشده است بکلی موقوف و از تاریخ اجرای این قانون در داخله مملکت هیچگونه مالیات و عوارضی بهر اسم و رسم که باشد چه از مالک چه از همجانی که آن را استخراج می کنند و چه از تجار معاملین آن نباید مطالبه شود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - نظر

باینکه کلمه مالیات بر اینها که گرفته شده اطلاق شده خواستم عرض کنم مالیات آن چیزی است که مجلس مقدس تصویب کرده است و آنچه قبلاً گرفته اند مالیات نبوده است خصوصاً چیزهایی که از صادرات گرفته شده باشد زیرا هم بر خلاف مصالح مملکت بوده و همه اسباب زحمت و فراوتجارت و این ظلم و تعدی بوده است نه مالیات

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده نفهمیدم مقصود از مخالفت آقای کازرانی چیست اگر مقصودشان این است که لفظ مالیات نوشته نشود برای اینکه سابقاً این مالیات تصویب نشده بود و تعدیاتی می شده است برای اینکه همان تعدیات نشود این لایحه بمجلس پیشنهاد شده و بودن این ماده ضروری ندارد

رئیس - ماده سوم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

صاحبان کتیرای موجوده که مالیات معموله را پرداخته اند و تصدیق اداره مالیه محل را در دست دارند در حین صدور از سرحد از تادیبه مالیات صدی بیست معاف خواهند بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - اگرچه بنده در اصل وضع این مالیات مخالفم ولی در این قسمت هم ناچارم عرض کنم در شرح پیشنهادی که دولت داده است متذکر شده است که این مالیات بانواع و اقسام و بطور مختلف گرفته می شده گاهی از رهبت گاهی از تاجر گاهی از عمله و بالاخره این کتیرا دست بدست گشته است تا بدست تاجر رسیده حالا در سرحد چه چیز مشخص مشخص این خواهد بود که مالیات آن داده شده یا خیر؟ بنابراین باینکه بنده اساساً مخالفم ولی اگر اکثریت مجلس (که در هر موقع حاکم است) این مالیات را کم یا زیاد تصویب کرده عقیده ام این است که یک مدتی را مهلت قرار دهند کتیراهائی که موجود است از سرحد خارج بشود و بعد این مالیات وضع شود والا این ترتیب اسباب زحمت خواهد شد زیرا یک کتیراهائی نزد تاجران موجود است که مالیات آنها پرداخته شده و هیچگونه سندی در دست ندارند

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اگر بنا باشد این عقیده آقای ارباب را قبول کنیم تمام کتیراهای امسال بدون تادیبه مالیات خارج خواهد شد زیرا آنچه باید کتیرا جمع - آوری شود جمع آوری شده حالا اگر مایاتیم و یک مدتی مهلت قرار دهیم تمام کتیراها بدون ادای مالیات خارج می شود

اما اینکه فرمودند بطور تشخیص داده می شود که مالیات این کتیراها پرداخته شده عرض می کنیم سابقاً از هر یک من کتیرا که مالیات می گرفتند یک قبض می داده اند ممکن است وقتی تاجر آن کتیراهای جزو

را بخرد همان قبوضات مالیه را جمع آوری کند و وقتی می خواهند کتیرا را خارج کنند قبوض جزء را ارائه دهند و اضافه بر آن هر چه کتیرا دارند مالیات آنرا بدهند و جواز بگیرند و حمل کنند پس دیگر هیچگونه تردیدی باقی نمی ماند

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه نطق)

سلطان العلماء - قسمتی از هریض بنده را آقای ارباب کیخسرو فرمودند ولی بنده می خواستم جواب آقای اقبال السلطان را عرض کنم آقای اقبال السلطان نه کتیرا داشته اند و نه تبخ زن بوده اند و نه تاجر کتیرا که ندانند اگر دچار مامورین مالیه بشوند بطور فوریتار می کنند بنده در ولایات بوده ام و آقای قوام الدوله هم والی بروجد بوده اند این است که حالا آقایان را مستحضر می کنم این کتیرا گیر بدیخت وقتی درب دروازه میرسد مستقیماً او را به اداره مالیه یا اداره که کتیرا می خرد می برند بعد از اینکه کتیرا را فروخت مامور مالیه میرود و مالیات او را می گیرد دیگر نه قبض میدهد و نه تاجر می داند که بعد ها دچار زحمت خواهد شد که قبض بگیرد و تا امروز هر چه بوده بر منفعت دولت بوده است زیرا تا امروز تعدی امنای مالیه و پول گرفتن و صدسی گرفتن در کار بوده است بنابراین خوب است یک مدتی را مجال بدهند و چیزی نگیرند و پس از آن مدت اعلان کنند و پیشکاران محل امنای مالیه معین کنند و بگویند موجودی های محل چقدر است تا دیگر اسباب زحمت برای اهالی نشود البته مقنن باید دقیق و فکور و باریک بین باشد اگر چه مامور دحلات ارباب جرایم واقع شده ایم که کمیسیونها کار نمی کنند ولی بنده عرض می کنم کمیسیون قوانین مالیه می خواهد رای بدهد پول از ملت گرفته شود البته بدون مطالعه نمی تواند یک چنین رایی بدهد باید با مطالعات عمیق رای بدهد مکرر عرض کردم رای بدون مطالعه و ررسی مثل قانون نمک می شود که مدتی وقت مجلس صرف وضع آن شد و مدتی حرف نسخ آن

مخبر - بنده از آقای سلطان العلماء که یکی از اعضاء محترم کمیسیون هستند استدعا دارم بعد از این نظریات خود را در کمیسیون بفرمایند تا دیگر محتاج نباشند در مجلس مخالفت بفرمایند بالاخره بنظر بنده اینطور میرسد که کمیسیون می تواند در این خصوص مطالعه کرده و هر چه بنظرش رسید دومرتبه به مجلس راپرت بدهد

رئیس - پس تقاضا می کنند بر گردد به کمیسیون؟

مخبر - بلی ممکن هم هست پیشنهاد بفرمایند

رئیس - در هر صورت بر می گردد آقایان مذاکرات را در ماده سوم کافی میدانند؟ (جمع می گفتند کافی است)

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - مطالب در این لایحه خیلی است و انشاء الله در شورتاتی آنها را عرض می کنم ولیکن همانطور که فرمودند نظریات اغلب آقایان این است که اگر چیزی گرفته شود بقیمت سرحد باشد حالا فرضاً زیاد تر یا کمتر فرق نمی کند ولی این مسئله در محصول امسال نخواهد شد زیرا محصول امسال تا دوسه ماه دیگر پیش نیست و هر چه باید امنای مالیه بگیرند گرفته اند چون حالا فصل کتیرا و انقوزه است و دوماه دیگر هم فصل قلیات پس برای امسال نمی شود قیمت سرحد را گرفت اگر این لایحه بگذرد باید از مال دیگر قرار داد که بقیمت سرحد گرفته شود بجهت اینکه امنای مالیه بترتیب سابق الان مشغولند و اگر بنا شود از حالا گرفته شود اسباب زحمت خواهد شد لهذا عقیده بنده این است که در این لایحه بقیمت سرحد نوشته شود که اسباب زحمت برای مالکین و زارعین نشود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - اساساً یک ترتیبی برای گرفتن کتیرا جاری بوده است که از روی آن ترتیب امنای مالیه مالیات کتیرا را در محل دریافت می کردند و مخصوصاً در موقع پرداخت بآنها قبض هم می دادند حالا اگر مجلس این ماده را تصویب کند در سرحد دریافت خواهد کرد پس اساساً وجود این ماده برای اینکه تعدیاتی نشود خیلی لازم است و اینکه فرمود مهلتی باید معین شود بنده تصور نمی کنم مهلتی لازم باشد زیرا اشخاصی

که کتیرا دارند و مالیاتش را پرداخته اند البته از پرداخت مالیات در سرحد معاف خواهند بود و آتیهائی که نپرداخته اند بعد از تصویب مجلس دولت اعلان می کند و مالیات آنرا در موقع خروج از سرحد خواهند پرداخت و بنده اشکالی در این موضوع نمی بینم

رئیس - آقای عماد السلطنه طباطبائی (اجازه)

عماد السلطنه طباطبائی - این یک شبهه برای آقایان حاصل شده برای اینکه مالیات کتیرا را نه از مالک می گیرند نه از تاجر و بنده بعکس فرمایش آقای سلطان العلماء هم کتیرا داشته ام و هم کتیرا فروش بوده ام و هم متصدی مالیه معمول اینطور بوده است که پیشکاران مالیه می فرستادند در محل تحقیق می کردند و یک مرتبه کتیرا

که فرض بفرض مالک بمستاجر صد تومان اجاره داده بود مطابق دستوری که وزارت مالیه داده بود اداره مالیه بموجب مستاجر اخطار می کرد که بیايند مالیات بدهند آنوقت مستاجر يك قبضه سی تومانی از اداره مالیه می گرفت مالیات را بمیداد و بای موجر حساب می کرد حالاً يك شخص ثالثی آمده است این کتیرا را خریده است اگر بخواهند از سرحد عبور بدهد قبضه ندارد که ارائه بدهد اما اینکه شاهزاده اقبال السلطان فرمودند مالیات امسال از بین خواهد رفت بنده عرض می کنم از بین نخواهد رفت برای اینکه از اول تابستان شروع به تیغ زدن میشود و برای دو ماه دیگر شروع بوصول مالیات میشود و مدتی بآن موقع باقی است و عقیده بنده اینست که مجلس مالیات انقوزه را اصلاً تصویب نکند زیرا این يك مالیاتی است که مستقیماً از فقرا گرفته میشود برای اینکه مرتفع انقوزه مالک ندارد و هیچ مربوط بمالک نیست يك صحرائی است که فقرا آنجا میروند و بعد از ششماه ده من یا بیست من انقوزه جمع آوری می کنند راجع بکتیراهم اگر آقایان تصویب بفرمایند ممکن است بعد از اینکه این قانون را وضع کردند اعم از صد سه یا صد پنج از طرف دولت بتمام پیشکاران مالیه حکم شود که امسال بهیچ وجه من الوجوه مطالبه مالیات قدیم را نکنند و بعد در کمرك دریافت دارند زیرا از حالا تاموقع وصول مالیات چهل و پنج روز دیگر وقت باقی است

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا محمد دولت آبادی - بعقیده بنده این نظری که آقای ارباب دادند قابل توجه است زیرا يك کتیرای موجود مال سال گذشته در انبارها موجود است و مالیاتش را داده اند و اگر بنا باشد صد پنج از کمرك بدهند در صورتی که مالیات صد سی را هم از محل داده اند خوب است و بعقیده بنده يك مدتی لازم است مهلت داده شود و در هر حال بدو باید کمیسیون در این موضوع توجه و فکری نماید بعد بمجلس بیايد.

رئیس - مذاکرات کافی نیست؟

جمعی گفتند کافی است

رئیس - پس پیشنهادات قرائت میشود

شرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم که محصول کتیرا هذلسنه و موجودی کلیه کتیرا از مالیات جدید معاف و از اول حمل سنه آتی مالیات جدید را در سرحد دریافت دارند (امین التجار)

بنده پیشنهاد میکنم که بجای ماده سوم

این قسم نوشته شود

ماده سوم - از تاریخ اعلان این قانون در هر محل تا یکماه بصاحبان کتیرای موجوده اجازه داده میشود که کتیرای خود را با اداره مالیه محل برده جواز صادر نموده که از ادای مالیات در کمرك معاف باشند (سهام السلطان)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس

بنده باینکه در اساس اخذ عوارض کتیرا مخالف هستم در ماده سوم بیشتر مخالف می باشم و تصور می کنم این ماده چون اسباب زحمت دارندگان کتیرا میشود حذف و اگر مجلس عوارض را تصویب فرمودند در سرحد مأخوذ شود و از اول سنه (۱۳۰۲) این قانون مجری شود (مستشار السلطنه)

رئیس - بکمیسیون ارجاع میشود

ماده چهارم

(آقای منتصر الملك ماده چهارم را بشرح ذیل قرائت نمودند)

وزیر مالیه مامور اجرای این قانون است .

رئیس - در این ماده مخالفی هست؟

اظهاری نشد

رئیس - شور اول تمام شد رأی می گیریم که داخل شور ثانی بشویم یا نه آقایانی که موافقت شور ثانی بشود قیام فرمایند .

اغلب نمایندگان قیام نمودند

رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس می شود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - از اینکه بنده عرض کردم حساب سازی میشود گویا برای آقایان سوءتسامی حاصل شده یا توجه نفرموده اند بنده نظرنداشتن دفاتر تجار غیر صحیح است بنده بتجار و تجارت خیلی اهمیت می دهم و دفاتر آن هارا صحیح می دانم و مخصوصاً فوق العاده بصنف تجار اهمیت می دهم زیرا که آبادی مملکت بواسطه آن ها است بنده عرض کردم دست بدست شدن باعث مغایرات زیاد خواهد شد و بی کاری خرج تراشی میکند و باعث سنگینی کمرك می شود عرض بنده تجار نبود ایداً همچون نظری نداشتم و باید رفع اشتباه آقایان بشود

رئیس - چون چیز دیگری در دستور نیست باید جلسه را ختم کرد جلسه آینده روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور اولاً بودجه سندایت قبل مجلس ثانیاً لایحه تخفیف مالیاتی قریه بدوشن یزد ثالثاً قرار دادیستی منعقد در مادرید و

کمیسیون هاهم بنا بود در جلسه گذشته انتخاب شود وی نشده است باید آقایان سعی و اهتمام فرمایند که روز شنبه انتخاب شوند آقای نجات از کمیسیون معارف و آقایان مساوات و زنجان از کمیسیون بودجه استعفاء فرموده اند ششم که در چهاردهم میزان تشکیل شده باید دوباره تشکیل شود و دو نفر عضوی بجای آقایان زنجان و مساوات تعیین کنید

آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا چون کمیسیون بودجه هفته پنج زودو کمیسیون عدلیه هفته سه روز است و مجلس هم هست بنده نمی توانم بکمیسیون عدلیه برسم و چند روز هم مریض شده بودم این بود که از کمیسیون عدلیه استعفاء دادم خوب است یاد آوری شود يك نفر هم عوض بنده انتخاب به فرمایند این راهم می خواستم تفصلاً کنم تا کید بفرمایند رایورت راجع بقانون انتخابات زودتر بمجلس بیايد که خیلی مهم است

رئیس - کمیسیون عدلیه اعلان کرده بود دو نفر عضو کسر دارد حالاً که آقای محمد هاشم میرزا استعفاء داده اند باید سه نفر انتخاب شود

حاج شیخ اسدالله - تعیین نظار برای کمیسیونها لازم نیست؟

رئیس - نظار سابقاً معین شده است

آقای محقق العلماء

(اجازه)

محقق العلماء - بنده هم بواسطه یا در دو سمدانی که دارم از عضویت کمیسیون معارف استعفاء نموده ام

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده از عضویت کمیسیون معارف استعفا نمی دهم ولی لازم می دانم يك نکته را بعرض مقام ریاست و سایر آقایان برسانم و آن این است که کمیسیون معارف از زمانی که تشکیل شده است و قبل از تشکیل ثانی آنکه تا حالا چهار ماه می گذرد متأسفانه بواسطه این که از طرف دولتهای و وزاری معارف وقت ابتداً لایحه بآنجا ارجاع نشده بیکار مانده است و برعکس از سایر کمیسیون ها لایحه زیاد وارد شده بنده لازم می دانم بر رئیس الوزراء و وزیر معارف وقت تأکید شود که اگر يك نظر خاصی بمعارف دارید لویحی که لازم می دانید زودتر تهیه کرده و بمجلس تقدیم کنند که کمیسیون معارف بیکار نباشد زیرا چهار ماه است در کمیسیون معارف بهیچ وجه من الوجوه کاری نداریم شاید گفته شود که خود کمیسیون می تواند طرحهای قانونی تهیه و بمجلس تقدیم کند ولی بنده عرض میکنم این چندان عملی نخواهد بود زیرا ممکن است خود کمیسیون طرح قانونی تهیه و تقدیم مجلس کند معلاً وزیر

وقت به خواهند مستقیماً در آن موضوع نظریاتی بکنند

رئیس - نسبت بدستور اظهاری نیست؟

(گفته شد خیر)

مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد

مؤتمن الملك صورت مشروح مجلس یوم شنبه بیست و هشتم شوال ۱۳۴۰ مطابق سوم سرطان ۱۳۰۱

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم پنجشنبه اول سرطان را آقای منتصر الملك قرائت نمودند)

رئیس - آقای سردار مفتاح (اجازه)

سردار مفتاح - شاهزاده سلیمان میرزا چند روز است ناخوش و بستر می هستند و بواسطه کسالتی که دارند نتوانسته اند حاضر شوند .

رئیس - چون اطلاع نداده بودند غایب نوشته شد حالاً اصلاح می شود آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی

(اجازه)

آقا سید محمد تقی - عرض بنده را آقای سردار مفتاح فرمودند .

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد .

قرار دادیستی بین المللی مادرید مطرح است .

ماده چهارم جمله اول قرائت می شود .

(آقای منتصر الملك بشرح زیر قرائت نمودند)

کنکره مادرید باین ماده اضافه نموده که ادارات محقق روابط یستی خود را با هر مملکتی که مراعات این جمله را ننمایند مقطوع دارند .

مستشار السلطنه مخبر کمیسیون - مقطوع نمایند صحیح نیست باید مقطوع دارند قرائت شود .

رئیس - مجدداً قرائت میشود .

(مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد)

کنکره مادرید باین ماده اضافه نموده که ادارات محقق روابط یستی خود را با هر مملکتی که مراعات این جمله را ننمایند مقطوع دارند .

رئیس - همین طور است که قرائت شد .

مخبر - بلی صحیح است .

رئیس مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - ماده ششم و هفتم (بشرح ذیل قرائت شد)

(ماده ششم و هفتم - نرخها)

پاکات - پنجاه سانیتم برای بیست